



سرشناسه: گریوانی، مسلم، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدیدآور: رسم حضور: سیره زیارتی علما در حرم رضوی / مسلم گریوانی؛ تنظیم و
 تولید اداره تولیدات فرهنگی؛ به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی.
 مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۳۴-۰۹۳-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه.
 عنوان دیگر: سیره زیارتی علما و عرفا در حرم رضوی
 موضوع: علی بن موسی (علیه السلام)، امام هشتم، ۱۵۳-۲۰۲ ق. -- آرامگاه -- زیارت
 موضوع: Pilgrimage -- Tomb -- Ali ibn Musa, Imam VIII
 موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- دیدگاه درباره زیارت و زائران
 موضوع: 'Views on pilgrims and pilgrimages -- Iran -- Ulama
 موضوع: زیارت و زائران -- آداب و رسوم
 موضوع: Pilgrims and pilgrimages -- Manners and customs
 شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی
 شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۵/۲ ک ۴۵ BP۲۶۴
 رده بندی دیویی: ۷۶۷۲/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۳۹۳۵۲



به نشر
 انتشارات آستان
 قدس رضوی



آستان قدس رضوی
 معاونت تبلیغات، ارتباطات و نشر

عنوان کتاب: رسم حضور (سیره زیارتی علما و بزرگان در حرم مطهر رضوی)

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی

نویسنده: مسلم گریوانی

ارزیاب علمی: حجج الاسلام والمسلمین جواد محدثی و سید محمود مرویان حسینی

ویراستار محتوایی: زینب سادات حسینی

ویراستار زبانی و صوری: سعیده تیمورزاده

طراح جلد و صفحه آرا: گرافیک ظفر

ناشر: انتشارات قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۱۰۰۰۰

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۶

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۵۱-۲۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.

عرض ارادتى

به پيشگاه امام على بن موسى الرضا عليه السلام

و تقديم به

تنها دلبندهان

فهرست مطالب



رسم
حضور

۱۱	پیشگفتار.....
۱۳	فصل اول: ادب آداب دارد.....
۲۰	زیارتش معتدل بود.....
۲۲	حضور قلب در زیارت.....
۲۳	مثل فلانی زیارت کنید!.....
۲۵	تفکر و سکوت.....
۲۵	شیوه به زیارت رفتن آیت الله العظمی بهجت رحمته الله
۲۸	سؤال یک جوان از آیت الله العظمی بهجت رحمته الله
۲۹	یا ایها العزیز!.....
۳۰	نشانه طلبیده شدن از طرف حضرت رضا علیه السلام
۳۱	هر بار برای زیارت غسل می کرد.....
۳۲	رازورمز زیارت.....
۳۴	ساقی زاتران.....
۳۵	توجه به حضور قلب.....
۳۶	نحوه به زیارت رفتن امام خمینی رحمته الله
۳۷	آقا! شام حاضر است.....
۳۹	غبار متبرک.....
۴۰	خرج سفر مشهد.....
۴۱	با کهولت سن می ایستاد.....



شبيه فرشته‌ها	۴۲
هرچه متعلق به اوست، می‌بوسم!	۴۴
سه عمل برجسته در حرم	۴۵
بهره معنوی و علمی از حضور در مشهد	۴۶
زیارت با یک سینی چای	۴۷
احترام به زوار امام رضا (ع)	۴۹
فصل دوم: سایه‌های آفتابی	۵۱
اول رضایت؛ بعد زیارت	۵۳
خیلی دور، خیلی نزدیک	۵۳
آقا نوکر می‌خواهد، نه زائر	۵۵
سجده در جای خلوت	۵۶
احترام به والدین؛ شرط زیارت	۵۷
وحدت قلب و زبان	۵۷
حریم حرم	۵۸
رعایت بهداشت در حرم مطهر	۵۹
دوست دارم ضریح‌تان را ببوسم	۶۰
زیارت بدون آزار	۶۱
زیارت با گناه؛ ممنوع!	۶۲
به اطراف خود توجه نداشت	۶۳
آفت زیارت	۶۴
جای دیگران را اشغال نمی‌کرد	۶۵
سربه‌زیر و دست‌به‌سینه	۶۶



اینجا دارالشفاست ۶۸

با بودن خورشید، چرا ستاره؟! ۶۹

من حرز بلد نیستم ۷۰

زیارت را حفظ کنید! ۷۰

فصل سوم: فرشته اینجا پابره‌نه است! ۷۳

ایرانی‌ها قدر بدانند! ۷۵

عشق مشهد! ۷۶

به تعداد زیارت‌ها، به دیدنم آمدند ۷۷

عشق زیارت ۷۸

زیارت؛ نه سیاحت ۷۹

روزی سه بار زیارت ۸۰

خیر، زیارت می‌روم! ۸۱

رأفت امام رضا علیه السلام محسوس است ۸۲

دست آقا بر سر زوار ۸۳

شصت سال، اولین زائر ۸۴

زائر دست آقا را می‌بوسد ۸۶

زیارت با اعمال شاقه ۸۶

کتابنامه ۸۸

مسابقه فرهنگی رسم حضور ۹۱



اگر ما آب زلال را با سرووضعی آلوده و با لیوانی کثیف، به فرد تشنه عرضه کنیم، میلی به گرفتن آب از ما و خوردن آن نخواهد داشت. حکایت دین‌داری و عرضه آن به دیگران نیز همین است. اگر ما دین یا چهره پیشوایان معصوم دینی را که همانند آبی زلال است، با آفات و خرافات آغشته کنیم و به همان شکل آلوده به تشنگان معنویت عرضه کنیم، این معرفی، نه فقط خریداری نخواهد داشت؛ بلکه مایه دل‌زدگی دیگران از دین و ائمه علیهم‌السلام نیز خواهد بود. عمده پیرایه‌هایی که متوجه هر دین می‌شود، از ناحیه ظواهر، یعنی آداب و مناسک آن آیین است؛ یعنی خرافات از آداب و ظواهر آن آغاز می‌شود و سرانجام به باطنش سرایت می‌کند. زیارت یکی از همین آداب دینی است که دچار آسیب شده است و گاهی در فهم آن، گرفتار کج‌فهمی شده‌ایم.

اکنون باید پرسید که چگونه می‌توان زیارتِ سره (درست) را از زیارتِ ناسره (نادرست) تشخیص داد؟ به نظر می‌رسد، مطالعه سیره عینی و عملی بزرگان و مراجع دین، در بازسازی و اصلاح رفتار دینی مردم تأثیر خواهد گذاشت. حجت‌الاسلام مسلم گریوانی با این انگیزه و دغدغه، به مطالعه و تحقیق درباره زندگی عملی بزرگان دین پرداخته و از میان سیره زیارتی نزدیک به بیست نفر از علما و مراجع محبوب شیعه، آنچه نیاز جامعه دینی ماست، صید کرده‌اند تا در اختیار مردم



حقیقت‌جویی قرار گیرد که همواره در زندگی، نگاهشان به رفتار علمای ربّانی بوده است.

در این نوشتار، سعی نویسنده بر این بوده است که با بیان سیرهٔ عملی بزرگان دین، شیوهٔ صحیح زیارت ارائه شود؛ به‌طوری‌که برای شما خوانندهٔ محترم کاملاً لمس‌کردنی و دیدنی باشد و با خواندن آن بتوانید به رفتارهای نادرست معمول در این زمینه نیز پی ببرید.

امید است که به‌خواست خداوند متعال، با مطالعهٔ این اثر، به بینشی عمیق دربارهٔ زیارت برسید و افقی تازه و روشن در برابرتان گشوده شود.

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

آستان قدس رضوی

فصل اول:

ادب آداب دارد

آداب زیارت امام رضا علیه السلام در سیره علما



داروی عشق

زیارت ایشان یک و نیم تا دو ساعت طول می کشید. بعضی از روزها، طولانی تر از این هم می شد؛ یعنی تا سه ساعت طول می کشید! تازه، این شیوه زیارتشان در حرم حضرت معصومه علیها السلام بود. به مشهد که می آمدند، هر روز، دو بار به حرم می رفتند: صبح زود و بعد از نماز مغرب و عشا.

زیارت هایشان را بیش از یک ساعت ایستاده می خواندند و حتی تکیه هم نمی دادند! ما که جوان بودیم، خسته می شدیم و می نشستیم؛ ولی ایشان اصلاً احساس خستگی نمی کردند و با زیارت شاداب تر هم می شدند. این برای بعضی باورکردنی نبود. از قضا، یک بار یکی از شاگردان ایشان، بعد از زیارت، در رواق این سؤال را از آقا پرسید: «ما که جوان هستیم، قدرت نداریم این همه وقت بایستیم؛ پس شما چگونه خسته نمی شوید؟!» آقا آنجا چیزی نگفته بودند تا اینکه از حرم بیرون آمده بودند. در خیابان به او اشاره کرده بودند و نزدیک که رفته بود، با ملاحظاتی خاص، جوابش را داده بودند که چند کلمه هم بیشتر نبود! آقا پولی به او داده و فرموده بودند که برود به عطاری و داروی «عین. شین. قاف» تهیه کند و بخورد تا خسته نشود!^۱

۱. نک: محمود شریفی، «سیره زیارتی علمای شیعه»، فصلنامه فرهنگ زیارت، س ۱، ش ۲، بهار ۱۳۸۹، ص ۳۵.

آری! عشق، آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه، این پیرمرد نودساله را به گفته فرزندشان حجت الاسلام حاج شیخ علی بهجت، چند ساعت سرپا نگه می دارد و همان عشق است که جوان سی ساله را از هزار کیلومتری با پای پیاده به مشهد می کشاند!

خوش به حال خانواده!

از اوضاع مالی آقا خبر داشتیم. روحیه آقاجان، دستان بود: کافی بود یکی از ما، صد تومان پول درخواست کنیم؛ آن وقت آقاجان در جواب می پرسیدند: «برای چه می خواهی پسر؟» یا «چرا این مقدار می خواهی دخترم؟!» البته آقا خیلی مهربان بودند و وقتی پول داشتند، می دادند، ولی به سختی؛ چون اهل حساب و کتاب بودند. اما خوش به حال ما بود، وقتی که سفر زیارتی در پیش داشتیم! دیگر از این چرتکه انداختن ها خبری نبود و تا چیزی می خواستیم، با گشاده دستی و بدون پرس و جو می دادند. مشهد که بودیم، غذای ساده دم دستی را خودشان میل می کردند؛ ولی دستور می دادند که برای بچه ها و خانواده، غذای بهتری تهیه کنند.

فرزند آیت الله ابوالحسن ایازی در ادامه می گوید: «حالا متوجه می شوم که ایشان می خواستند با این کارشان، بچه ها و دوروبری ها را متوجه این حقیقت کنند که امام رضا علیه السلام چه عظمتی دارند و این گشاده دستی ایشان هم، به برکت این



روضه منوره است. پدرم حتی در سفر هم از تربیت دینی بچه‌ها غافل نبودند. ایشان می‌خواستند بچه‌ها خاطره خوشی از سفرهای زیارتی و معنوی در ذهن خود داشته باشند.^۱

در مشهد میوه خوب بگیرید!

قدم به مشهد که می‌گذاشتند، رفتارشان با دوستان و خانواده، متفاوت می‌شد؛ یعنی بهتر و باصفا تر می‌شدند. این حال و هوای آقا، حتی در نوع غذا و خرید سوغاتی و دیگر کارها هم تأثیر می‌گذاشت. در مشهد، خانواده‌شان هیچ وقت در مضیقه و سختی قرار نمی‌گرفتند. بچه‌ها ذوق زده می‌شدند وقتی می‌آمدند مشهد. خود ایشان به دوستان و همراهانشان می‌گفتند: «اینجا ما مهمان حضرت رضا (ع) هستیم. خانواده خود را در تنگنا قرار ندهید.»

یکی از روزهای حضورمان در مشهد، چشم آیت الله کوهستانی رحمته الله علیه به میوه‌های نامرغوبی افتاد که در دستان زائری آشنا بود. بی مقدمه به او گفتند: «فرزندم، اینجا خراسان است. مبادا به خانواده خود سخت بگیرید! بگذارید این چند روز به خانواده و بچه‌ها خوش بگذرد.»^۲

۱. مصاحبه نگارنده با آیت الله محمدجواد ایازی، فرزند علامه ابوالحسن ایازی، منزل ایشان در رستمکلا، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸.

۲. نک: عبدالکریم کوهستانی، بر قله پارسایی، ص ۱۹۹.



پشت به آقا ننشین!

راوی این ماجرا حسین حیدری کاشانی است:

تازه وارد قم شده بودم؛ به امید اینکه آیت‌الله بهاء‌الدینی را ببینم و خیلی زود گل امیدم شکفت! روزی آیت‌الله بهاء‌الدینی از کوچه‌ای می‌گذشتند. پی‌شان را گرفتم تا اینکه مرا دیدند. به جوی آب که رسیدند، لب جوی، رو به شرق نشستند و من به احترام ایشان، همان‌طور ایستاده ماندم. آقا فرمودند: «ننشین.» من باز به احترام ایشان، در مقابلشان نشستم. گفتند: «پسرم، بیا اینجا بنشین.» بعد، اشاره به کنار دست خود کردند و ادامه دادند: «پشت به حضرت رضا علیه‌السلام نکن!» تازه فهمیدم که چرا ایشان در شهر قم، رو به شرق نشستند. زود برخاستم و تغییر مکان دادم. آقا در حال تفکر بودند که ناگهان رو به من کردند و سرشار از اندرز فرمودند: «سفارش فلانی و فلانی، برای ما فایده‌ای ندارد!» تازه یادم آمد که قرار بود به آقای امجد بگویم به آیت‌الله بهاء‌الدینی سفارش کنند تا کمی هم به ما عنایت معنوی داشته باشند!

ایشان ادامه دادند: «سفارش فلانی و فلانی، برای ما فایده‌ای ندارد. ببین پسرم، شما باید کاری کنی که



حضرت رضا علیه السلام سفارشت را بکند! من راه سفارش
حضرت رضا علیه السلام را به تو می‌گویم و آن این است
که دست از زرنگ‌بازی برداری [و تن و دل به ولایت
بدهی]. اگر دست از زرنگی برداشتی، حضرت رضا علیه السلام
خود می‌فرماید: '[هوای] فلانی را داشته باش!' ^۱
با این حرف آقا، دلم خراسانی شد و یاد حرم، هوایی‌ام
کرد!

امام زنده است و چشم بینای خدا!

من از شاگردان آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله بودم. یک‌بار،
وقتی با چند تن از دوستان، عازم زیارت امام رضا علیه السلام بودیم،
خدمت آقا رسیدیم و درباره آداب زیارت پرسیدیم. ایشان بعد
از قدری تأنی فرمودند: «اهم آداب زیارت این است که بدانیم
بین حیات و ممات معصومین علیهم السلام هیچ فرقی وجود ندارد.»
غیر از این چیزی نفرمودند. وقتی با دوستان تأمل کردیم،
دیدیم شاید بتوان تمام آداب زیارت را در همین یک جمله
خلاصه کرد. آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله می‌فرمودند:

هنگامی که به دیدن یکی از مسئولان عالی‌رتبه
می‌رویم، چقدر در حرکات و گفتار خود دقت داریم؟
تا حدی که نگاه خود را هم از او بر نمی‌گردانیم!



چرا؟ چون در حضور این مقام هستیم و ما در محضر او هستیم و ما را می‌بیند. آیا ما همین مراقبت را در محضر امام رضا علیه السلام داریم؟! امام «عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ»^۱ است [یعنی چشم بینای خدا]. همه زیارت‌نامه‌ها مورد تأیید هستند. زیارت جامعه کبیره را بخوانید. زیارت امین‌الله مهم است. قلب شما این زیارات را بخواند. با زبان قلب خود بخوانید. لازم نیست حوائج خود را در محضر امام علیه السلام بشمرید. حضرت علیه السلام می‌دانند! مبالغه در دعاها نکنید! زیارت [باید] قلبی باشد.^۲

زیارتش معتدل بود

حجت الاسلام والمسلمین قرهی در مصاحبه‌ای درباره شیوه به زیارت رفتن امام خمینی رحمته الله علیه چنین تعریف می‌کند:

امام رحمته الله علیه دائم الجماعة بودند؛ یعنی مقید بودند که نمازهای یومیه را در حرم به جماعت بخوانند، به امامت آیت الله خوانساری یا آیت الله سیداحمد زنجانی.

برنامه زیارت امام رحمته الله علیه این طور بود که حدود دو ساعت بعد از نماز مغرب، از اندرونی به بیرونی می‌آمدند

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، التوحید، ص ۱۶۷.

۲. نک: محمد حسین رخشاد، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ج ۱، ص ۶۹.



و به مراجعات پاسخ می‌دادند. بعد از نیم ساعت، هر کاری که داشتند یا هرکسی که با ایشان بود، رها می‌کردند و عازم حرم حضرت امیر علیه السلام می‌شدند. وارد حرم که می‌شدند، ابتدا زیارت امین‌الله را از حفظ می‌خواندند؛ سپس زیارت جامعه کبیره را از روی مفاتیح قرائت می‌کردند... بعد از یک ساعت زیارت، به منزل برمی‌گشتند. زیارتشان نه خیلی طولانی بود و نه خیلی کوتاه و نه مثل اینکه بخواهند تکلیفی را از سر باز کنند.

زیارت امین‌الله و زیارت جامعه کبیره را ترک نمی‌کردند. یک بار که آخر شب با حضرت امام علیه السلام از حرم بیرون می‌آمدیم، احساس کردم خادم حرم می‌خواهد حرفی بزند. رفتم جلو و فهمیدم که ظاهراً خادم‌ها برای بستن در حرم، ملاحظه امام علیه السلام را می‌کردند و دیرتر در را می‌بستند. وقتی به ایشان گفتم، زیارتشان را از یک ساعت هم مختصرتر کردند و دیگر زیارت جامعه کبیره را نخواندند. جالب اینکه گاهی که درب‌های حرم را به دلایلی می‌بستند، ایشان برنامه‌های زیارتشان را در رواق‌ها و صحن‌های اطراف، به طور کامل انجام می‌دادند.^۱

۱. نک: محمود شریفی، «سیره زیارتی علمای شیعه»، فصلنامه فرهنگ زیارت، س ۱، ش ۲، بهار ۱۳۸۹، ص ۳۵.



حضور قلب در زیارت

شیخ حسن علی نخودکی رحمته الله علیه را همه می‌شناسند. ستاره‌ای است فروزان که در اطراف خورشید امام رضا علیه السلام می‌درخشد. ایشان که عمری در حرم آقا نفس کشیده بودند، درباره روح زیارت می‌فرمودند:

مسلمان [زائر] باید آدابی را که خداوند در زمینه زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است، در حیات و ممات آن حضرت [و سایر معصومین علیهم السلام] رعایت کند. [ازجمله] خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَ لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویید، با او به صدای بلند سخن نگوئید؛ مبادا بی‌آنکه بدانید، کرده‌هایتان تباه شود).

پس هرگاه قصد زیارت دارید، باید چنین فرض کنید که آن حضرت، حیات ظاهری دارند و در ضریح نشسته‌اند؛



پس با کمال ادب مشغول سلام شوید.

اینکه در روایات آمده است که در حرم معصومین علیهم السلام صد تکبیر بگویید، مراد آن نیست که صرفاً وردی گفته شود؛ بلکه منظور آن است که معنا و مفهوم آن فهمیده شود؛ بلکه بالاتر از آن، زائر باید در اثر ذکر، عظمت خدا را در ذهن تجسم کند و بداند که کجا می رود و چه می کند؛ زیرا این حضرات همگی مظهر صفات الله هستند و اگر این مقام در او نیست، [یعنی اگر مقام درک این حقیقت در زائر نیست، باید] لا اقل ظاهر را درست کند [و در ظاهر متوجه مقام امام علیه السلام باشد].^۱

مثل فلانی زیارت کنید!

یکی از مؤمنان صالح چنین نقل کرده است:

یکی از روزهایی که در مشهد به سر می بردم، در حرم مطهر، شاهد بودم که مردم با آداب آشفته [مثل چسبیدن به ضریح و سرو صدا کردن] زیارت می کردند. برایم سؤال ایجاد شد که زیارت پسندیده آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام چگونه است؟ در همین حال و احوال، حضرت را در عالم رؤیا دیدم که فرمودند:

۱. نک: علی مقدادی اصفهانی، نشان از بی نشان ها، ج ۲، ص ۵۰۹.



«فلانی، مانند شیخ محمدحسین زاهد زیارت کن!»

با شنیدن این جمله، از خواب پریدم. از فردای آن شب، دربه در دنبال آقای با این نام بودم. فهمیدم ایشان عالمی وارسته‌اند و شب‌ها پس از نماز مغرب، به حرم مشرف می‌شوند. تا چند شب، ایشان را درحالی که زیارت می‌کردند، مشاهده کردم. آنچه از زیارت شیخ محمدحسین زاهد دستگیرم شد، این بود که در زیارت ساده، ولی روح‌افزای ایشان، دو چیز موج می‌زد: یکی حضور قلب و دیگری رعایت حق دیگران.

یادم هست یک بار، مثل همیشه با چهره‌ای سرشار از اندوه و چشمانی که اشک از آن‌ها جاری بود، وارد حرم مطهر شدند. درحالی که لبانشان از ذکر لبریز بود، با گام‌هایی آهسته به سمت ضریح مطهر حرکت کردند. داخل حرم شلوغ بود. در فاصله چندمتری ضریح مطهر که البته در دید من بود، جایی را انتخاب کردند. جای خلوتی بود. بی آنکه حواسشان به این‌وآن باشد، تمام‌قد ایستادند و بدون آنکه جلوی باران اشکشان را بگیرند، شروع به زیارت خواندن کردند. وقتی زیارت شیخ زاهد تمام شد، به رواق دیگری از حرم رفتند و مشغول نماز شدند. پس از نماز هم با حضرت وداع کردند و از حرم خارج شدند.^۱

۱. نک: ابراهیم کاظمی خوانساری، آیین زیارت عارفان، ص ۷۷.



تفکرو سکوت

آیت الله سید محمد حسن الهی طباطبایی رحمته الله علیه، برادر علامه طباطبایی رحمته الله علیه، یکی از اولیای بحق خداست. درباره شیوه به زیارت رفتن ایشان گفته اند:

همواره آستانه حضرات را می بوسیدند و با اذن دخول وارد حرم می شدند. درها و ضریح را نیز [در صورت امکان] می بوسیدند. پس از به جا آوردن آداب اولیه زیارت، عملی را انجام می دادند که کمتر در حرم به آن توجه می شود و آن، سکوت و تفکر است. ایشان با هیچ کسی سخن نمی گفتند و فقط سکوت می کردند. گاهی سکوتشان یک تا دو ساعت طول می کشید و فرقی نمی کرد که داخل صحن باشند یا داخل حرم.^۱

شیوه به زیارت رفتن آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه

شیوه ای که آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه به زیارت می رفتند و اذکار و اورادی که در مسیر حرم بر لب داشتند، شنیدنی است: ایشان بعد از نماز صبح، بلافاصله از منزل حرکت

۱. نک: جمعی از نویسندگان، الهیه، ص ۲۰۵.

می‌کردند و تعقیبات را توی راه می‌خواندند. اول، این دعا را زمزمه می‌کردند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِي الدُّنْيَا وَ[عَذَابِ] الْآخِرَةِ»^۱ (خدایا، از تو می‌خواهم که بهترین امور را برایم رقم بزنی و از خواری و زبونی در دنیا و [عذاب] آخرت به تو پناه می‌برم).

بعد از آن، «چهارقُل»^۲ را زمزمه می‌کردند؛ سپس دعا‌های قبل و بعد از طلوع آفتاب را که در مفاتیح آمده است، قرائت می‌کردند. همه این‌ها را در فاصله منزل تا حرم می‌خواندند؛ آنگاه از سمت پایین پای حضرت وارد حرم می‌شدند و در صحن‌ها، برای علما و اموات، حمد و سوره قرائت می‌کردند؛ از جمله سر قبر مرحوم واله، ابوترابی، حجت و شیخ‌بهایی رحمته‌م‌الله. پس از آن هم، وارد دارالزهد می‌شدند و حدود یک ساعت، به قرائت ادعیه و زیارات مربوط به امام رضا علیه‌السلام مشغول بودند.

[آیت‌الله‌العظمی بهجت رحمته‌م‌الله چنان در زیارت غرق می‌شدند که] مردمی که پروانه‌وار دور شمع وجود ایشان جمع می‌شدند، گاه از [شدت انتظار و] خستگی منصرف می‌شدند و برمی‌گشتند؛ ولی ایشان با آن

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۴۱.

۲. به چهار سوره کوچکی می‌گویند که اول آن‌ها با «قُل» آغاز می‌شود: ناس، فلق، اخلاص و کافرون.



کهولت سن، به اعمالشان ادامه می دادند. پس از دارالزهد، به روضه مقدسه حضرت رضا (ع) می رفتند و ایستاده مشغول دعا و زیارت می شدند: [مقید بودند که] زیارت امین الله و زیارت جامع کبیره و زیارت عاشورا [را بخوانند]؛ تا آنجا که یکی از همراهانشان که در زیارت ها کنارشان بود، آن قدر زیارت نامه خواندن آقا را شنیده بود که متن زیارت ها را حفظ کرده بود!

ایشان در حال زیارت، چشمانشان را می بستند. وقتی دلیل این کارشان را پرسیدند که: «آیا دستوری برای این کار رسیده است؟» فرمودند: «خیر. برای تمرکز بیشتر این کار را می کنم.»

زیارت ایستاده شان آن قدر طول می کشید که حتی جوان ها هم تاب این قدر ایستادن را نداشتند. هنگام زیارت، عشقی شورانگیز از سر و روی ایشان می بارید. مقید بودند که در صورت امکان^۱ ضریح را ببوسند. پنج شنبه های هیچ هفته ای هم، خودشان را از فیض نماز روز پنج شنبه و نماز جعفر طیار با دعای بعدش محروم نمی کردند. وقتی از این اعمال فارغ می شدند، به صحن سقاخانه می رفتند و سر قبر شیخ حسن علی نخودکی و شیخ طبرسی (رحمتهما الله) فاتحه می خواندند.

۱. تأکید آیت الله العظمی بهجت (رحمته الله) بر این بود که اگر بوسیدن ضریح ممکن باشد، این کار انجام شود؛ ولی اگر بوسیدن ضریح باعث آزار و اذیت زائران شود، جایز نیست.

در مسیر برگشت هم دعای صباح امیرالمؤمنین علیه السلام را قرائت می‌کردند.^۱

سؤال یک جوان از آیت‌الله العظمی بهجت رحمۃ الله علیه

به محض اینکه وارد حرم می‌شدند، اولین کاری که می‌کردند، این بود که بر زمین می‌افتادند و چهارچوب در ورودی را می‌بوسیدند. کسانی که با مرتبهٔ ایمانی و عرفانی آیت‌الله العظمی بهجت رحمۃ الله علیه آشنا بودند، با دیدن این صحنه، پی به عظمت امام رضا علیه السلام می‌بردند؛ چون می‌دیدند که چگونه شخصیتی با آن همه کرامت و ایمان و عرفان، روی چهارچوب زیر پای زوار امام رضا علیه السلام می‌افتند و آن را بوسه باران می‌کنند!

جوانی با دیدن این صحنه، خود را به ایشان رساند و پرسید: «ببخشید آقا! آیا سجده بر در حرم و چهارچوب آن صحیح است؟ این شرک نیست؟» ایشان فرمودند:

سجده و افتادن ما، بر روی آن [چهارچوب] است، نه برای آن [چهارچوب]. آنچه شرک است و عیب دارد، تعظیم برای آن و به‌سوی آن است؛ و گرنه تعظیم ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام تعظیم به‌سوی خداست، ولی با [واسطه قرار دادن و] توجه به

۱. نک: رضا باقی‌زاده گیلانی، نکته‌های ناب، ص ۱۳۹.



ایشان؛ چنان که تعظیم به کعبه [نیز] چنین است.^۱

یا ایها العزیز!

آیت الله سیدهادی میلانی رحمته الله علیه را هنگام تشریف به حرم حضرت رضا علیه السلام دیده بودم.^۲ چنان مشتاقانه گام برمی داشتند که گویی حرفی در گلویشان گیر کرده است که باید زود به آقا بگویند و برگردند! تا خودشان را به ضریح می رساندند، کلی اشک از چشمانشان جاری شده بود. وقتی روبه روی ضریح قرار می گرفتند و باران چشمانشان شدت می گرفت، هرکسی احساس می کرد [دیگر اینجاست] که آن حرف گلوگیر را از درونشان بیرون بریزند. در این حالت، ایشان خطاب به امام علیه السلام چنین می گفتند: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجُنَّا بِيضَاعَةَ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»^۳

این آیه بیانگر وقتی است که برادران حضرت یوسف علیه السلام به اقامتگاه ایشان وارد شدند و غریبانه و مظلومانه از برادرشان چنین درخواست کردند: «ای عزیز، به ما و خانواده مان آسیب

۱. نک: حامد اسلام جو، ورق های آسمانی (پرسش های شما و پاسخ های آیت الله بهجت)، ص ۱۳۲.

۲. مصاحبه نگارنده با مرحوم آیت الله سیدحسن صالحی، منزل ایشان، ۲ دی ۱۳۸۵.

۳. یوسف، ۸۸.



رسیده است و سرمایه‌ای ناچیز داریم؛ پس پیمانمان را پُرکن
و بر ما تصدّق فرما که خدا صدقه دهندگان را پاداش می‌دهد.»

نشانه طلبیده شدن از طرف حضرت رضا علیه السلام

از عارف کامل، آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله پرسیدند: «وقتی
به زیارت امام رضا علیه السلام یا هرامام دیگری می‌رویم، در ورودی
حرم مطهرشان اذن دخول می‌خوانیم. از کجا بدانیم که
امام علیه السلام واقعاً به ما اجازه ورود به حرم مطهرشان را داده‌اند یا
نه؟» ایشان فرمودند:

هنگامی که از حضرت رضا علیه السلام اذن دخول می‌طلبید
و می‌گویید: «أَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ...
فَأَذَنْ لِي يَا مَوْلَايَ» به قلبتان مراجعه کنید و ببینید آیا
تحول و تغییری در آن به وجود آمد یا نه؟ اگر متحوّل
شدید، معلوم می‌شود حضرت رضا علیه السلام اجازه ورود
داده‌اند؛ پس اگر حال داشتید، به حرم مشرف شوید.
ولی اگر دیدید حالتان مساعد نیست و هیچ تغییری
[هم] در دلتان به وجود نیامد، بهتر است به کار
مستحب دیگری بپردازید [و در زمان مناسب دیگری،
با حضور قلب به زیارت مشغول شوید].^۲

۱. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، البلد الأمين و الدرع الحصین، ص ۲۷۶.

۲. نک: حامد اسلام‌جو، ورق‌های آسمانی (پرسش‌های شما و پاسخ‌های آیت‌الله بهجت)،
ص ۱۱۴.



همین پرسش را از عارف کامل، آیت الله محمدجواد انصاری همدانی رحمته الله علیه پرسیدند. ایشان که بارها جواب سلام امامان علیهم السلام را شنیده بودند، فرمودند:

در اذن ورود زیارت امام رضا علیه السلام می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَتَسْمَعُ كَلَامِي...»؛ یعنی «شهادت می دهم که تو جایگاه مرا می دانی و سختم را می شنوی...»
...وقتی اذن دخول می خوانید، اگر برایتان حالت خضوع و خشوع و گریه پیدا شد، بدانید که ائمه علیهم السلام شما را قبول کرده اند؛ ولی اگر این حال را نداشتید، صبر و تحمل کنید تا این حال برایتان پیدا شود.^۱

هر بار برای زیارت غسل می کرد

مرحوم آیت الله شیخ محمدابراهیم اعرافی از علمای مطرح یزد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، عالمی ربّانی و دارای روح مجاهدت و مبارزه در راه خدا بود.^۲ در حالات ایشان آمده است که وی علاقه زائدالوصفی به زیارت داشت. ایشان با اشتیاق ویژه ای برای زیارت امام رضا علیه السلام وارد مشهد می شد. به محض رسیدن، اول شب، چند ساعتی استراحت می کرد؛

۱. نک: هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس، سوخته، ص ۲۴۷ و ۲۴۸.

۲. نک: متن پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) به مناسبت رحلت آیت الله اعرافی رحمته الله علیه، ۷ مهر ۱۳۷۰.



سپس باقی شب را در حرم می‌گذرانند و به عبادت و تهجد می‌پرداخت. یکی از همراهان شیخ محمدابراهیم اعرافی رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: «در سفری که با ایشان به مشهد رفتیم، می‌دیدم که مراقبت ویژه‌ای درباره غسل زیارت داشتند. همیشه برای هر زیارت، یک غسل انجام می‌دادند و به ما نیز توصیه می‌کردند که برای هر بار رفتن به زیارت، غسل کنیم.»^۱

راز و رمز زیارت

وارد حرم امام رضا علیه السلام که می‌شویم، اذن ورود به حریم حرم می‌خواهیم و می‌خوانیم؛ آنگاه بی‌درنگ وارد روضه منوره می‌شویم و رو به ضریح و پشت به قبله می‌ایستیم و با آقا نجوا می‌کنیم. تابه حال فکر کرده‌اید که چرا پشت به قبله و رو به ضریح می‌ایستیم؟ چرا ایستاده زیارت می‌خوانیم؟ راز این رمز را آیت‌الله محمدجواد ایازی برایمان گشوده‌اند:

قبله، وَجْهُ اللَّهِ و سمت و سوی خداست و خدا نور محض [است] و یک پارچه روشنایی. امام نیز نور است؛ ولی نور امام در برابر نور خدا چیزی نیست. نور آفتاب کجا و نور ماه کجا! مهتاب نورش را از آفتاب می‌گیرد. وقتی رو به قبله‌ایم، یعنی نظاره‌گر نور خداییم. روشن است که با نگاه به نور خدا، نور

۱. نک: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی یزد، پارسای کویر، ص ۲۵.



امام نادیده گرفته می‌شود؛ حال آنکه نباید امام را نادیده انگاشت؛ زیرا امام الگوست. خدا به حکم خدا بودنش و ندیده شدنش^۱ نمی‌تواند الگو و راهنمای بشر زمینی باشد. این پیامبر و امام معصوم است که از سویی از جنس بشر و زمینی است و از سویی آسمانی و تأیید شده خداست [و] می‌تواند الگو و سرمشق بشر باشد....

رو به امام و پیامبر می‌ایستیم؛ چون اوست الگوی ما: اوست آئینه تمام‌نمای خدا در زمین تا با نگاه به آئینه امام، خودمان را بسنجیم. او عیار است و ما در برابر این آئینه زلال، تمام‌قد می‌ایستیم تا صادقانه عیوب ما را نشان دهد [و] ببینیم چقدر ما با او سنخیت داریم؛ لذا هر سال و هر بار که [به حرم ایشان] می‌رویم، باید خودمان را بسنجیم تا با دیدن عیوب خود، طی سال‌های بعد، آن‌ها را برطرف کنیم.

و اما نماز پس از زیارت، [شاید] برای این است که برویم در گوشه‌ای رو به قبله، از خدا بخواهیم که این سنخیت و تشابه‌مان را با امام زیاد کند.^۲

۱. دیده‌نشدنش.

۲. مصاحبه نگارنده با آیت‌الله محمدجواد ایازی، فرزند علامه ابوالحسن ایازی رحمته‌الله، منزل ایشان در رستمکلا، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸.



ساقی زائران

آیت الله ملکوتی دربارهٔ اینکه آیت الله عبدالحسین امینی رحمته الله علیه، معروف به علامهٔ امینی چگونه به زیارت می رفتند، چنین می گویند:

مرحوم علامهٔ امینی برای نوشتن کتاب گران قدر الغدير زياد سفر می کردند؛ ولی زمانی که در نجف بودند، زیارت مولایشان حضرت امیر عليه السلام از برنامه های ثابتشان بود. هر وقت وارد حرم مطهر می شدند، مراقب بودند تا مبادا بالاسر یا جلو یا پشت سر حضرت قرار بگیرند؛ همیشه پایین پای حضرت می نشستند و مشغول زیارت و تلاوت و عبادت می شدند و از همان جا بر می گشتند.

وقتی هم که روز عاشورا در کربلا بودند، پیراهن بلندی می پوشیدند، چفیه به سر می انداختند، مشک آبی به دوش می کشیدند و با پای برهنه به زائران امام حسین عليه السلام آب می دادند و به اصطلاح سقایی می کردند.^۱

۱. نک: محمود شریفی، «زیارت در سیرهٔ علمای معاصر»، فصلنامهٔ فرهنگ زیارت، س ۱، ش ۲، بهار ۱۳۸۹، ص ۳۳.



توجه به حضور قلب

حاج شیخ عبدالکریم مقید بودند که با حضور قلب و توجه بیشتر به زیارت بروند. وقتی آهنگ زیارت حضرت رضا علیه السلام می کردند، غسل کرده و لباس های پاکیزه به تن می کردند و در مسیر حرم، سربه زیر ذکر می گفتند. گاهی نیز سرشان را بلند می کردند و بعد از نگاهی به گنبد، دوباره سربه زیر ادامه مسیر را می پیمودند. از شرم و آزرَم ایشان پیدا بود که به سمت چه کسی گام برمی دارند!...

حاج شیخ عبدالکریم حامد رحمته الله علیه، شاگرد برتر شیخ رجب علی خیاط، معمولاً در حرم، زیارت امین الله را می خواندند و می گفتند: «در فرازهای این زیارت، مسائل مهمی مطرح شده است.» گاهی هم از فضایل امام رضا علیه السلام می گفتند: «حرم امام رضا علیه السلام بودم. کنارم یک حاجی گریه می کرد. دیدم دو فرشته از آسمان فرود آمدند و اشک های او را پاک کردند!»^۱

نحوه به زیارت رفتن امام خمینی رحمته الله علیه

در سحرگاه آخرین شبی که امام رحمته الله علیه در نجف بودند، به ایشان عرض شد: «آقا، نمی شود از این سفر صرف نظر کنید؟! الان دارید

۱. نک: مهدی عاصمی، بهترین شاگرد شیخ، ص ۸۰.

تشریف می‌برید کویت؛ ولی آنجا امن نیست. سوره هم جای امنی نیست. ایران هم وضعیتش آن‌چنان است. کجا می‌خواهید بروید! امام علیه السلام پاسخ دادند: «ناگزیر از اینجا باید بروم.» سپس فرمودند: «من در اینجا با حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام مأنوس بودم.»

امام علیه السلام حدود پانزده سالی که در نجف ساکن بودند، جز در مواقع استثنائی، هر شب، ساعت ۳ نیمه‌شب، در حرم حضرت علی علیه السلام حاضر بودند و حتی وقتی حکومت نظامی اعلام می‌شد و رفت‌وآمد در خیابان‌ها ممنوع بود، به پشت‌بام می‌رفتند و از دور، امام خود را زیارت می‌کردند. تشریف ایشان با آداب خاص زیارت آن حضرت همراه بود و نحوه زیارتشان برای طلاب جذاب بود: ابتدا با کمال ادب و متانت اذن دخول می‌خواندند؛ بعد از طرف پایین پای حضرت وارد حرم می‌شدند و مقید بودند که از بالای سر مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عبور نکنند. همیشه جای خاص و خلوتی را می‌یافتند و از روی مفاتیح، زیارت و دعا می‌خواندند. مقید بودند که متن زیارت‌نامه را بخوانند. در کنار ضریح مطهر می‌ایستادند و زیارت امین‌الله یا زیارت دیگری را با نهایت اخلاص می‌خواندند؛ سپس دوباره به طرف پایین پای حضرت برمی‌گشتند و در گوشه‌ای از حرم، نماز و زیارت و دعا را در حال نشسته می‌خواندند و باز دو رکعت نماز [ایستاده] دیگر؛ سپس بلند می‌شدند و با رعایت آداب و اخلاص تمام، از حرم مطهر خارج می‌شدند.



کیفیت تشرف امام خمینی رحمته الله علیه به حرم مطهر و نیز کیفیت زیارت کردن ایشان واقعاً جالب بود. حالتشان در دعا و خواندن زیارت، یک حالت از خودبی خودشدن بود که به طور کامل نشان می داد بین ایشان و امامی که زیارتشان می کردند، اتصال روحی عمیقی برقرار بود. در شیوه به زیارت رفتن امام خمینی رحمته الله علیه در حرم حضرت اباعبدالله علیه السلام و حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام و حرمین شریفین در سامرا نیز همین منظره ها مشاهده می شد.^۱

آقا! شام حاضر است

اینجا حرم مطهر رضوی، دفتر تولیت آستانه است. انتهای دفتر، اتاقی است سوت و کور؛ ولی پنجره ای مشرف به گنبد زرین دارد. کسی چه می داند درون این اتاق تاریک کیست و این صدا از کدام نای برمی خیزد که اشک می ریزد و رازونیاز می کند! صدا آشناست: صدای ولی امر مسلمین، آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) است.

ایشان برای پرهیز از آزار و اذیت زائران و بسته نشدن درهای روضه منوره، داخل این اتاق می نشینند و مشغول توسل و دعا و زیارت می شوند. یکی از اعضای بیت رهبری می گوید:

یک بار [زمانی که رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

۱. نک: «امام خمینی رحمته الله علیه در محضر معصومان علیهم السلام»، ماهنامه فرهنگ کوثر، ش ۳۱، مهر ۱۳۷۸.



در آن اتاق، مشغول دعا و توسل بودند [رفتم تا ایشان را برای شام خبر کنم. دیدم که معظم^{له} در حال گریه و زاری هستند. بازگشتم. بار دوم رفتم. دیدم ایشان غرق در توسل هستند؛ این بود که از گفتن حرفم منصرف شدم. برای بار سوم رفتم و باز ایشان را در همان حال دیدم! احساس خطر کردیم [که] نکند بعد از دو تا سه ساعت گریه و زاری، برایشان اتفاقی بیفتد! با نیروهای حفاظت تصمیم گرفتیم که ایشان را از آن حال بیرون بیاوریم.

این بار جلوتر رفتم و در زدم و گفتم: «آقا، دوستان منتظرند که شما تشریف بیاورید.» آقا همان طوری که در حال گریه و زاری و توسل بودند، برخاستند و زیارت امین الله را آغاز کردند و بعد از زیارت و رازونیا عاشقانه، تشریف آوردند؛ ولی ما هنوز در حسرت زیارتی چنان شورانگیز بودیم.^۱

غبار متبرک

رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در یکی از سفرهایشان به مشهد، مستقیم و بی درنگ و بدون اقامت در جایی، آهنگ حرم مطهر کردند. مضجع شریف را قُرق کرده بودند تا توسط

۱. نک: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ویژه نامه آب، آئینه، آفتاب، ص ۱۵، ۱۳۸۵.



ایشان غبارروبی شود. پیش از آغاز غبارروبی سنگ مرقد مطهر امام رضا علیه السلام که خود آدابی شورانگیز دارد، آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) برای ورود به ضریح، تمام قامت ایستادند و چنین خواندند: «...أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ...». اذن دخول که تمام شد، روی زمین حرم مطهر افتادند و با افتادگی تمام، عتبه را بوسه باران کردند. این حالت، اندکی به طول انجامید. بعد برخاستند و پیراهن مخصوص را پوشیدند و دوباره بر عتبه افتادند؛ سپس با طمأنینه و گام‌هایی آرام، به سمت ضریح روانه شدند. غبارروبی شروع شد، اما این بار با توجه و حالی ویژه.

وقتی غبارروبی تمام شد، رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) دستمال‌های مخصوصی را که برای غبارروبی ضریح بین شخصیت‌ها توزیع شده بود، جمع کردند و به سروصورت خود کشیدند. بعد یکی از آن‌ها را برداشتند و خطاب به تولیت آستان مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند: «آیا من می‌توانم این دستمال متبرک را برای خودم بردارم؟»

این خاطره را حجت الاسلام رحیمیان بر خاطرمان نشانند و در پایان چنین افزودند: «بعد از آن، رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) با دل خوشی تمام، در پایین پای حضرت به نماز ایستادند و نماز را با گریه و زاری آمیختند و آراستند.»^۱

۱. نک: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ویژه‌نامه آب، آیین، آفتاب، ص ۱۵، ۱۳۸۵.



خرج سفر مشهد

یکی از نزدیکان موثق آیت الله بهاء الدینی خدمت ایشان بود که از مسافرت به مشهد و زیارت وجود مقدس امام رضا علیه السلام صحبت شد. آن شخص می گوید:

به آقا گفتم: «چه خوب بود می رفتیم مشهد!»
فرمودند: «برویم.» گفتم: «کی؟» فرمودند: «الان!»

عبا و عصای آقا را آوردم و مہیای سفر شدیم. ناگاه یادم آمد که هیچ پولی ندارم. با خود گفتم: «نکند آقا هم پول نداشته باشد! بهتر است ماجرا را به ایشان بگویم.» با این فکر گفتم: «آقا، من هیچ پولی ندارم.» در جواب گفتند: «من هم ندارم.» پرسیدم: «پس چه کار کنیم؟!» گفتند: «برویم.»

بدون پول حرکت کردیم. از حسینیه آقا پیاده آمدیم تا سرخیابان. منتظر ماندیم. ناگهان دیدم از آخر خیابان چهارمردان، جوانی با دوچرخه، به سرعت می آید. وقتی نزدیک شد، ایستاد و کیسه پولی را به آقا داد و گفت: «این پول مال شماست.» آقا بدون اینکه چیزی به او بگویند، خطاب به من فرمودند: «بگیر [تا] برویم.»

آیت الله مبشر کاشانی که این حکایت را از این استاد عارفان



نقل می‌کردند، در بیان انواع رزق می‌گفتند: «یک نوع رزق، ﴿مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۱ است: [یعنی] روزی‌ای به انسان می‌رسد؛ اما از جایی که فکرش را هم نمی‌کند!»^۲

با کھولت سن می‌ایستاد

معمولاً تا رمق داشتند، پیاده می‌رفتند حرم. آن‌هم از کجا: از دورترین مسیر به حرم! اگر کسی از صحن عتیق وارد حرم می‌شد، زودتر از علامه ایازی رحمۃ اللہ علیہ می‌رسید که صحن نو را برای ورود به حرم انتخاب می‌کردند. این حرکت ایشان، دلیل عارفانه‌ای هم داشت. ایشان در جواب پیشنهاد پسرشان، شیخ محمدجواد که درخواست می‌کرد از صحن عتیق وارد حرم شوند، می‌گفتند: «نه پسر! از آن سمت وارد شویم که پایین پای حضرت است. صحن عتیق به بالاسر حضرت می‌خورد.»

معرفت امام در زیارت ایشان موج می‌زد. وقتی وارد روضه منوره می‌شدند، علی‌رغم کھولت سن، زیارت جامعه را ایستاده می‌خواندند. وقتی زیارتشان تمام می‌شد، وارد مقام بالاسر حضرت می‌شدند و نماز زیارت می‌خواندند و فوراً آنجا را ترک می‌کردند تا دیگران از آن محل نورانی استفاده ببرند. از

۱. طلاق، ۳.

۲. نک: حسن شفیعی و احمد لقمانی، آیت بصیرت، ص ۳۸.



کسانی که برای اقامه دو رکعت نماز، در این محل محدود، جا خوش می‌کردند، به شدت ناراحت می‌شدند.^۱

حرف‌های فرزند به اجتهادرسیده علامه ابوالحسن ایازی رحمته‌الله تمام شد و من در این اندیشه‌ام که آیا این سطرها می‌تواند به سبب معرفت من و شما چیزی بیفزاید؟!

شبه فرشته‌ها

مشهد که می‌آمدند، بیشتر شب‌ها در حرم بودند. وقتی دقت کردم، دیدم آیت‌الله حسن معزی رحمته‌الله آداب زیارت را موبه‌موافق روی مفاتیح انجام می‌دهند؛ اما در این بین، یک رفتار ایشان بسیار دیدنی بود: وقتی آهنگ زیارت حرم می‌کردند، هر قدمی که در این وادی برمی‌داشتند، خود را از هرچه برایشان سنگینی می‌کرد، رها می‌کردند! کنار می‌گذاشتند قیدهای موقعیت اجتماعی را و سبک می‌شدند از انگشت و عینک و حتی کفش و جورابشان. این حرکت حاج آقا برایم سؤالی بی‌پاسخ شده بود. من راننده ایشان بودم. یک بار که همراهی‌شان می‌کردم، پی این قضیه را گرفتم.

دیدم که آقا با وقار خاصی بست شیخ بهایی را ذکرگویان پیمودند و وارد صحن گوه‌رشاد که شدند، از درب سمت چپ

۱. مصاحبه نگارنده با آیت‌الله محمدجواد ایازی، فرزند علامه ابوالحسن ایازی رحمته‌الله، منزل ایشان در رستمکلا، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸.



صحن، داخل حرم شدند. همه این کارها را هم با گریه و اشک همراه می کردند. [بعد از زیارت] جلو رفتم و گفتم: «بخشید حاج آقا!» گفتند: «بفرمایید.» من که با این کارم جلوی باران اشکشان را گرفته بودم، ادامه دادم: «دیدم که شما با پای برهنه وارد حرم شدید. علتش چیست؟» پاسخ آقا خیلی جالب بود: «مگر شما در زیارت نامه نمی خوانید که فرشتگان الهی در اینجا حافین (پابرنه) هستند؟! اگر فرشته ها اینجا پابرنه اند، ما باید چگونه باشیم؟! هرچه این اشیا [مثل کفش و جوراب^۱ و انگشتر] از ما دور باشند، خضوع و خشوعمان را بیشتر می کند.»

حرفشان که تمام شد، یک آن، کفش هایم بر من سنگینی کرد!^۲

هرچه متعلق به اوست، می بوسم!

برای کسانی که شهرت جهانی علامه طباطبائی رحمته الله علیه را شنیده بودند، باور صحنه هایی که از زیارت ساده و ارادت عامیانه ایشان می دیدند، کمی دشوار بود. حجت الاسلام دکتر احمد احمدی می گویند:

۱. توجه فرمایید که ظاهرشدن خانم ها در انتظار عمومی بدون جوراب، قواعد شرعی خاصی دارد که باید به نظر مرجع تقلید خود عمل کنند.

۲. نک: سیدجلال رضوی، خورشید اهل دل، ص ۱۳۵.

ایشان وارد اولین صحن حرم که می‌شدند، دستان مرتعش و لرزان خود را با ولعی وصف‌ناپذیر به چهارچوب در می‌گذاشتند و چنان بادل باختگی به در بوسه می‌زدند که گویی با تمام وجود و بدنشان به حضرت رضا علیه السلام عرض ادب می‌کنند. در تمام رفت‌وآمدهایی که به حرم رضوی داشتند، حضور و ادب و احترام حاکم بود. هنگام حرکت در صحن‌های حرم، به این سو و آن سو نمی‌نگریستند. گوشه‌ای از حرم را برمی‌گزیدند و از حفظ، مشغول قرائت زیارت جامعه کبیره می‌شدند.

صحبت‌های یکی از بستگان علامه رحمته الله نیز شنیدنی است:

در ماه‌های آخر عمر، با همه کسالتی که داشتند، زیارت حضرت رضا علیه السلام را ترک نکردند. با وجود کسالت و کهنلت سن، بعد از عرض ادب و زیارت امام رضا علیه السلام اگر حرم شلوغ نبود، به ضریح نزدیک می‌شدند و خود را به آن می‌چسباندند و بوسه بارانش می‌کردند. گاه می‌شد که ایشان را با زحمت از ضریح جدا می‌کردیم! خودشان با حالت انکسار و شکستگی به ما می‌گفتند: «من به حال این مردم که عاشقانه ضریح را می‌بوسند، غبطه می‌خورم.»

یکی از افرادی که آوازه جهانی و فلسفی علامه رحمته الله را شنیده بود، خودش را کنار ایشان کشاند و پرسید: «آقا شما هم مثل عامه مردم، ضریح حضرت را می‌بوسید؟!»



علامه رحمۃ اللہ علیہ پاسخ دادند: «من نه تنها ضریح که خاک و تخته در حرم و هرچه متعلق به اوست را می بوسم!»^۱

سه عمل برجسته در حرم

آورده اند که آیت الله مرعشی نجفی رحمۃ اللہ علیہ این عارف وارسته را چنین ستوده اند: «کوهستانی رحمۃ اللہ علیہ لنگرزمین است.» اما وقتی که این لنگرزمین، در بارگاه لنگرزمین و زمان و آسمان، یعنی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام حضور می یافتند، بسیار دیدنی بود که چگونه جبین بر زمین حرم محبوب می ساییدند!

آیت الله محمد کوهستانی مازندرانی روزی سه بار، به حرم مشرف می شدند و نمازها را در آنجا اقامه می کردند. مقید بودند این مسیر را پیاده بپیمایند. وقتی اطرافیان می خواستند ایشان را با وسیله نقلیه به حرم برسانند، جواب می شنیدند: «شما مرا خیلی زود به حرم می رسانید! من می خواهم پیاده بروم. کار دارم.»

کارشان ذکر بود و دعا و توسل. هنگام تشریف، عبایشان را به آستین می کشیدند و با ادب فوق العاده ای گام برمی داشتند. گام هایشان روایت «مَرُّ زَارِنَا عَارِفًا بِحَقِّنَا»^۲ را تفسیر می کرد.

۱. نک: گروه نویسندگان، مرزبان وحی و خرد، ص ۱۳۲؛ سایت رضوان علم:

www.razavi.aqr.ir/rezvanelm

۲. اشاره به روایاتی که زیارت بامعرفت ائمه اطهار علیهم السلام را سبب واجب شدن بهشت معرفی کرده است.



زیارت سحرشان تا سه ساعت طول می کشید. اعمالی که در حرم انجام می دادند، سه چیز بود: مناجات با خدا (دعا) و نجوا با ولی خدا (زیارت) و قرائت کلام خدا (قرائت قرآن).^۱

بهره معنوی و علمی از حضور در مشهد

آیت الله حاج شیخ ابوالحسن ایازی رحمته الله علیه از علمای بزرگ معاصر مازندران و دل باختگان مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند. ایشان یکی از خاطرات خود از سفر به مشهد را چنین بیان کرده اند:

از الطاف الهی به این جانب در دوران جوانی که در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشتم، توفیق زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه علیه السلام است.

من در سفر خود به مشهد، علاوه بر زیارت و استفاده از مقام معنوی امام علیه السلام سعی می کردم با اساتید و عالمان بزرگ آنجا آشنا شوم و از خرمن دانش آنها بهره جویم. در نخستین مسافرتم به مشهد مقدس، موفق به دیدار دو شخصیت بزرگ علمی آن دیار شدم. نخستین شخصیت علمی که توفیق ملاقات با ایشان را داشتم، جناب ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی بود که در ادبیات عرب، تخصص و مهارت خاصی داشت و مدرس رسمی کتاب های ادبی در

۱. نک: عبدالکریم کوهستانی، بر قلّه پارسایی، ص ۲۰۱.



حوزه علمیه مشهد بود و دیگری جناب میرزا حبیب الله گلپایگانی.

این خود، یکی از برکات و آثار معنوی زیارت امام رضا (علیه السلام) است که انسان توفیق می‌یابد در آن دیار، به زیارت عالمان بزرگ نائل آید و از خرمن دانش و معنویت آن‌ها فیض ببرد.^۱

زیارت با یک سینی چای

با یک آغوش عطر زیارت از حرم برگشته بود. در مسیر مسافرخانه با خود می‌گفت: «من که بعد از مدت‌ها دوری از مشهد، با این زیارت چنین سرمست شدم، بین از سر و روی آقاسید، دوست همسفرم، چه اشتیاقی می‌بارد! لابد تازه گرم زیارت شده است.» با همین خیال‌ها وارد مسافرخانه شد؛ اما نعلین جفت‌شده جلوی اتاق مسافرخانه که بی‌شباهت به کفش‌های آقاسید روح‌الله نبود، رشته فکرش را از هم گسست. در را که گشود، با صدایی ناشی از برخورد استکان‌ها مواجه شد: بله، آقاسید روح‌الله بود.

رفت داخل: «سلام سید!» جواب شنید: «سلام. زیارت قبول.» گفت: «قبول حق. ببینم سید، مگر شما به زیارت نرفتید؟ چرا این قدر زود برگشتید؟!» سید با تبسم گفت: «آمدم تا برای

۱. نک: محمد امیری سوادکوهی، ایازی از ملکوت، ص ۸۰.



دوستان چای آماده کنم. چطور مگر؟!» جواب داد: «آخر وقتی قم بودیم، برای آمدن به مشهد، دست از پا نمی شناختید؛ ولی حالا...! سیدجان، مگر چه می شد با این همه اشتیاقی که داشتید، سیر زیارت می کردید، بعد که آمدیم، همه باهم این کارها را انجام می دادیم! این چه کاری است؟ شما دعا و زیارت را مختصر می کنید و به منزل برمی گردید، ایوان را آب و جارو می زنید، فرش پهن می کنید، سماور روشن می کنید، چای آماده می کنید و...؟ صبر می کردید، این کارها را وقتی که از حرم برگرشتیم، باهم انجام می دادیم.»

آقا سید روح الله گفت: «من ثواب این کار را کمتر از آن زیارت و دعا نمی دانم!»^۱

با شنیدن این خاطره که حجت الاسلام حمید روحانی از زبان یکی از علما و درباره رفتار امام خمینی رحمه الله نقل کردند، پنجره ای وسیع از زیارت و آدابش در برابرم گشوده شد و دریافتم که کمک به زائران طهارت علیه السلام نیز فضیلتی همچون زیارت دارد: زیارتی از جنس پختن غذا و شستن ظرف و زفتن اتاق!

احترام به زوّار امام رضا علیه السلام

آیت الله مرتضی حائری رحمه الله که با کوچک ترین بهانه، به عشق

۱. نک: «امام خمینی رحمه الله در محضر معصومان علیهم السلام»، ماهنامه فرهنگ کوثر، ش ۳۱، مهر ۱۳۷۸.



زیارت حضرت رضا (علیه السلام) از قم عازم مشهد می شدند، هنگام تشریف به حرم، به زائران آن حضرت بسیار احترام می گذاشتند؛ هرچند که از افراد معمولی بودند. آن عالم بزرگوار می گفتند: «احترام به زائران، احترام به آن حضرت و موجب خشنودی آن امام است.» ایشان درباره علت این حرکت خود، حکایتی را نقل می کردند:

یکی از زائران حضرت برای زیارت، اتاقی را در مشهد اجاره کرد. او متوجه شد که در همسایگی اش فردی است که مدت ها پیش از او در مجاورت حرم مطهر ساکن شده است؛ ولی درعین حال، بیش از او به حرم مشرف می شود و آداب زیارت را بهتر از او به جا می آورد و زیارت ها را هم بیشتر طول می دهد. یک روز به حال او غبطه خورد و تصمیم گرفت او هم با آداب مخصوص، مثل غسل کردن و خواندن اذن دخول و... به حرم مشرف شود.

یک روز صبح، آداب و مقدمات لازم را انجام داد و به حرم رفت. وقتی خواست وارد حرم مطهر شود، یکی از همشهری هایش را دید که از حرم خارج می شد. آن همشهری نزدیکش آمد و با او بسیار گرم گرفت؛ ولی او که می خواست اذن دخول بخواند و با حال وارد حرم شود، خیلی سرد برخورد کرد. بعد هم وارد حرم شد و به نظر خودش، زیارت باحالی کرد و از حرم بیرون آمد.



به خانه که رسید، دید آن همسایه مجاور، هنوز از حرم نیامده است. پس از مدتی، آن همسایه هم آمد و او را با اسم و بدون احترام و القاب صدا زد و گفت: «حضرت فرمودند: 'دیگر به زیارت من نیا!'» تا این جمله را شنید، فهمید برخورد سردش با آن زائر، امام را ناراحت کرده است و چنین دستوری داده‌اند؛ از این رو، رفت و با هر زحمتی بود، با اینکه آدرسی از همشهری‌اش نداشت، او را یافت و عذرخواهی کرد؛ ولی به حرم نرفت تا اینکه روز بعد، همان همسایه، وقتی از حرم برگشت، با احترام صدایش کرد و گفت: «امام فرمودند: 'حالا به زیارت من بیا!'»^۱

۱. محمود شریفی، «سیره زیارتی علمای شیعه»، فصلنامه فرهنگ زیارت، س ۱، ش ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۹، ص ۸۹ و ۹۰.

فصل دوم:

سایه‌های آفتابی
آسیب‌شناسی زیارت در سیره زیارتی
علما



اول رضایت؛ بعد زیارت

آیت‌الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله به شدت از آزار دیگران در هنگام زیارت نهی می‌کردند:

رضایت امام علیه‌السلام بر زیارت امام علیه‌السلام مقدم است؛ یعنی انسان موقع زیارت باید تمام توجهش به جلب رضایت امام معصوم علیه‌السلام باشد و نه [به] رضایت دل خود؛ بنابراین هرگونه اذیت و آزار برادران و خواهران دینی در موقع زیارت، موجب نارضایتی امام علیه‌السلام است و چنین زیارتی سود چندانی ندارد. چه بسا زائری که در فاصله‌ای دور از ضریح [زیارت می‌کند و] زیارتش مقبول می‌گردد و زائری نزدیک قبور [مطهر زیارت می‌کند؛ ولی] با [ایجاد] مزاحمت برای دیگران، موجب نارضایتی امام معصوم علیه‌السلام می‌شود.^۱

خیلی دور، خیلی نزدیک

زیارتی ساده، ولی تماشایی داشتند. رفتارشان فریاد می‌زد که قصد آموزش هم دارند. وارد مسجد گوه‌رشاد که می‌شدند، روی زمین می‌نشستند و می‌گفتند: «زیارت امین‌الله بخوانید.»

۱. نک: حسن شفیعی و احمد لقمانی، آیت بصیرت، ص ۷۵.



زیارت که خوانده می‌شد، به فکر فرومی‌رفتند. گاهی از زیر ابروان درشتشان، از دور نگاهی به ضریح می‌افکندند. چشمان پرنفوذ ایشان می‌گفت که نگاهشان خیره طلاکاری‌های ضریح زیبای حضرت نشده است؛ بلکه مجذوب فضیلت و کمالی است که زیر این گنبد طلایی آرام گرفته است! آیت‌الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله امام‌رضا علیه‌السلام را به همین سادگی زیارت می‌کردند و باز می‌گشتند.

ما که مثل ایشان از قم به مشهد آمده بودیم، خوش نداشتیم همین‌طور ساده برگردیم و اصرار داشتیم هرطور شده است، خودمان را به ضریح برسانیم؛ مثل اینکه اصلاً جز با انجام این کار، زیارت به دلمان نمی‌چسبید و حتی ته دلمان از نوع زیارت آیت‌الله بهاء‌الدینی گله هم داشتیم! جدا شدیم که برویم؛ ولی آقا بهانه خوبی برای آگاه کردن ما پیدا کردند و گفتند:

ببینید، زیارت «حُضُورُ الزَّائِرِ عِنْدَ الْمَرْوَرِ» است. زیارت این است که زائر، خود را نزد زیارت‌شونده بداند. چرا می‌خواهید خود را به ضریح برسانید؟ چرا سعی نمی‌کنید با افکار امام علیه‌السلام آشنا باشید؟! اگر با فکر امام علیه‌السلام آشنا شوید، نزدیک ایشان، بلکه با ایشان هستید؛ گرچه از قبر و ضریح فاصله‌ها داشته باشید!

شب که شد، روی حرف‌های ایشان فکر می‌کردم که خوابم بُرد. در عالم رؤیا دیدم به من می‌گویند: «مثل آقای بهاء‌الدینی زیارت کنید.»^۱

۱. نک: حسن حیدری کاشانی، سیری در آفاق، ص ۲۴۹.



آقا نوکر می‌خواهد، نه زائر

آیت‌الله العظمی غلامرضا یزدی رحمته‌الله علیه معروف به فقیه خراسانی، عالمی وارسته و فقیه و مرجع دینی مردم یزد بودند. آیت‌الله امجد ماجرای عبرت‌آموز از ایشان نقل کرده‌اند که نشان از معرفت عمیق آن عزیز دارد:

روز زیارتی امام‌رضا علیه السلام بود، یعنی ۲۳ ذی‌قعدة: روزی که همه دلشان برای نفس‌کشیدن در حرم آقا پر می‌زند. دل شیخ غلامرضا نیز مثل سایر یزدی‌ها هوای مشهد کرده بود. در عصر ایشان از ماشین و... که خبری نبود! زائران با چهارپا راهی مشهد می‌شدند. اینکه شیخ چند شب و روز را سپری کردند، نمی‌دانم؛ ولی وقتی به مشهد رسیدند، هنوز وارد صحن و سرای آقا نشده بودند که پیرمردی روستانشین ایشان را برای روضه‌خوانی در مراسم روستا دعوت کرد. بی‌درنگ گفتند: «چشم، می‌آیم» و با خود ادامه دادند: «درست است که این همه راه را برای زیارت آقا تحمل کردم؛ ولی آقا زائر نمی‌خواهند، نوکر می‌خواهند!»

با این فکر، از همان جا برگشتند و برای انجام وظیفه، به آن روستا رفتند. پس از روضه‌خوانی در روستا هم، به دلیل قولی که قبلاً داده بودند، به مشهد نرفتند و



به یزد برگشتند، با همان چهارپا و با همان عشق و شور و شغف.^۱

سجده در جای خلوت

آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله مکاشفه‌ای را چنین نقل کرده‌اند:

روزی استادم، علامه محمدحسین غروی اصفهانی، در لابه‌لای شلوغی‌های حرم امام حسین علیه‌السلام به سجده افتادند. سجده‌شان طول کشید. همان لحظه درحال مکاشفه، حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام را دیدند که به او می‌گویند: «میان این همه جمعیت، سجده طولانی مناسب نیست. این‌گونه کارها را در جای خلوت انجام دهید.»^۲

آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله خود نیز شب‌های جمعه را به دلیل شلوغی حرم برای زیارت مناسب نمی‌دانستند و می‌فرمودند: «سعی کنید در روزهای خلوت به حرم اهل بیت علیهم‌السلام مشرف شوید تا مبادا برخورد با مردم، معصیتی برای شما پیش بیاورد.»^۳

۱. نک: محمود امجد، جواهر معنوی، ص ۶۷.

۲. نک: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی اهل بیت علیهم‌السلام، فریادگر توحید، ص ۸۶.

۳. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین قاسمی، یکی از شاگردان و ملازمان ایشان.



احترام به والدین؛ شرط زیارت

هرطور بود، از میان جمعیت خودش را به آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله رساند. از حال‌وروز جوان پیدا بود که گره کوری دارد و از شور و نشاطش آشکار بود که برای گشودن گره‌اش، به خطا نرفته است. صورتش را نزدیک ایشان برد و این‌چنین زمزمه کرد: «آقا، ببخشید! مدت‌هاست که از امام رضا علیه‌السلام حاجتی را می‌خواهم. کارم شده است توسل؛ ولی حاجتم روا نمی‌شود. چه کار کنم؟ لطفاً راهنمایی‌ام کنید.»

آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله فرمودند: «جوان، شما به مادرت بی‌اعتنا هستی و احترامش نمی‌کنی. برو و عذرخواهی کن؛ بعد بیا همین جا! [بیا حرم.]»^۱

وحدت قلب و زبان

حجت‌الاسلام عبدالله فاطمی نیا فرموده‌اند:

در حضور آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله بودم. یکی از جوانان نزد ایشان آمد و گفت که قصد رفتن به حرم را دارد و از ایشان خواست تا توصیه‌ای به او بکنند. ایشان فرمودند: «من بیشتر از مطالب مفاتیح الجنان

۱. نک: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی اهل بیت علیهم‌السلام، فریادگر توحید، ص ۸۰.

چیزی بلد نیستیم! ولی وقتی حرم می‌آیید، یادتان
نرود که قلبتان با زبانتان یکی باشد.» این یعنی
حضور قلب داشته باشیم و دل و زبانتان باهم همراه
باشد.^۱

حریم حرم

از ابتدای ورودشان به مشهد، مقید بودند هر شب بعد از اقامه
نماز مغرب و عشا به حرم مطهر مشرف شوند. این کار تا پایان
عمرشان تداوم یافت. آیت‌الله میلانی رحمته‌الله ابتدا از مسجد
گوهرشاد به سوی مرقد مطهر حرکت می‌کردند و از مسجد تا
حرم، سه مسیر را پشت سر می‌گذاشتند: دارالسیاده و دارالحفاظ
و درب حرم.

ایشان از هردری که عبور می‌کردند، به آن در با توجه نگاه
می‌کردند و سرشان را پایین می‌آوردند و آن را می‌بوسیدند؛
سپس وارد حرم می‌شدند و روبه‌روی ضریح حضرت می‌ایستادند
و مشغول اذکار و اوراد می‌شدند. وقتی هم که زیارتشان به اتمام
می‌رسید، با حضور قلب و بدون اینکه با کسی صحبت کنند،
از مقابل ضریح برمی‌گشتند؛ اما رو به ضریح حرکت می‌کردند.

بیشتر زمان زیارت، در حال سکوت و آرامش بودند و اجازه
نمی‌دادند کسی برای سؤال یا صحبت کنارشان بیاید. در

۱. نک: سیدعبدالله فاطمی نیا، نکته‌ها در گفته‌ها، ج ۳، ص ۵۸.



حرم، روبه‌روی ضریح و پیش روی حضرت می‌ایستادند و زیارتی طولانی می‌خواندند و نمی‌نشستند.

همواره می‌فرمودند: «انسان وقتی وارد حرم می‌شود، باید متوجه باشد که وارد عرصه حضور امام می‌شود؛ پس حریمی را باید نگه دارد.» گاهی از رفتار زائران بقیع که روی قبر می‌رفتند تا خاک بردارند، اظهار تعجب و ناراحتی می‌کردند و می‌گفتند: «یعنی این‌ها نمی‌دانند کجا پا می‌گذارند؟!»

آیت‌الله میلانی رحمته‌الله علیه خود، به طرف ضریح و نزدیک آن نمی‌رفتند؛ اما به جای این کار، در و دیوار حرم را می‌بوسیدند! شاید به دلیل رعایت دو نکته مهم این کار را نمی‌کردند: یکی به دلیل ازدحام جمعیت و پرهیز از ایجاد مزاحمت برای زائران و دیگری نگه داشتن حریم امام علیه‌السلام.^۱

این سخنان هرگز از خاطرم نمی‌رود که می‌گفتند: «میل دارم برای همیشه، حیاً و میثاً (زنده و مُرده)، در کنار قبه منوره ثامن الحجج علیه‌السلام باشم.»

رعایت بهداشت در حرم مطهر

یک بار عالم وارسته از دنیا و پیوسته به خدا، مرحوم آیت‌الله کشمیری رحمته‌الله علیه سیدی را در حرم دیدند که آب دهانش را

۱. مصاحبه نگارنده با آیت‌الله سیدحسن صالحی، منزل ایشان، ۲۵ دی ۱۳۸۵.



در صحن، روی زمین انداخت. ایشان به آرامی خطاب به او گفتند: «سید! اینجا صحن جدّت علی بن ابیطالب علیه السلام است. آب دهانت را نیز.»^۱

دوست دارم ضریحتان را ببوسم

تماشایی بود لحظه وداع آیت الله کوهستانی رحمته الله در حرم رضوی! دیدن داشت خدا حافظی ایشان با آقا؛ گاه تا یک ساعت، بلکه بیشتر به طول می انجامید. در این مدت، آسمان چشمانشان همواره بارانی بود و دل کسانی که به تماشایشان نشسته بودند نیز آسمانی.

حاج شیخ مدتی روبه روی حضرت می ایستادند و درددل می کردند؛ سپس به سمت رواق دارالسیاده می رفتند و صورتشان را روی عتبه می گذاشتند و چه رازها که نمی گفتند و چه نیازها که ابراز نمی کردند! حالاتشان فریاد می زد که دل کندن از آقا برایشان خیلی دشوار است! چشمان خیره ایشان به سمت ضریح، از میلی در دلشان حکایت می کرد:

روز آخری که با آقا وداع می کردم، به امام عرض کردم: «میل دارم ضریح شما را ببوسم.» جمعیت بسیار زیاد بود و نزدیک شدن به ضریح [نه فقط] روا نبود، بلکه ناممکن بود؛ ولی حضرت عنایتی کردند

۱. نک: سیدعلی اکبر صداقت، روح و ریحان، ص ۱۲۶.

و آرزو به دل نماندم: به آرامی خود را به ضریح رساندم
و آن را بوسیدم.^۱



سایه‌های
آفتابی

زیارت بدون آزار

شبی عبدالحسین، یکی از بازاری‌های نجف، مانند شب‌های دیگر در انتظار حضرت امام عجل الله تعالی فرجه نشست تا او را ببیند. چه جای خوبی هم نشسته بود: پایین پای حضرت که همه اهل معرفت حسرتش را می‌خوردند! عبدالحسین می‌گوید:

یک‌آن دیدم امام خمینی عجل الله تعالی فرجه به اتفاق یک همراه، به سمت جای همیشگی، یعنی همان جا که من نشسته بودم، آمدند. شخص همراه آقا خواست مرا از سر جایم بلند کند تا آقا بنشیند؛ اما امام عجل الله تعالی فرجه مخالفت کردند و مانع شدند. خواستند در جای دیگری بنشینند که من بلند شدم و گفتم: «آقا، اصلاً من اینجا نشسته‌ام تا برای شما جا بگیرم!» امام اعتنا نکردند و جای دیگری نشستند. در همان لحظه، یاد صحنه‌ای افتادم: در حرم آقا امیرالمؤمنین علیه السلام بودم که امام عجل الله تعالی فرجه وارد شدند و همراهانشان سعی کردند برایشان جایی خالی پیدا کنند؛ اما ایشان بی‌اعتنا به کارهای آن‌ها، در جای دیگری نشستند و به زیارت و

۱. نک: عبدالکریم کوهستانی، بر قلعه پارسایی، ص ۱۹۸.



دعا پرداختند.^۱

زیارت با گناه؛ ممنوع!

آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه به آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام علاقه عجیبی داشتند. می گفتند ایشان ممثل [و شبیه] امام رضا علیه السلام هستند. هضم معنای این حرف برایم کمی دشوار بود تا اینکه شخصی فاضل گفت: «یکی از بزرگان در عالم رؤیا دیده است که امام رضا علیه السلام در سیمای آیت الله العظمی گلپایگانی ظاهر شده اند!» ایشان از بس به آقا عشق می ورزیدند، وقتی متوجه می شدند که کسی عازم مشهد است، اشک شوق بر گونه هایشان جاری می شد و در همان حال، به آن شخص کمک مالی می کردند. حاضر بودند تمام دارایی شان را پای این اشتیاق هزینه کنند! زمانی هم که مشهد بودند، هر روزشان با حرم رفتن سپری می شد. ایشان خود، از شوق و شغف رفتن به حرم و حسرتی که لحظه ای بر قلبشان نشسته است، چنین گفته اند:

در زمان اختلاط زن و مرد در حرم [که هنوز قسمت زنانه و مردانه اطراف ضریح مشخص و جدا نبود]، نتوانستم کنار ضریح بروم [؛ بنابراین] به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «من به خاطر دوری از گناه،

۱. نک: محمد رضا سبحانی نیا و سعید رضا علی عسکری، مهر و قهر، ص ۳۲۴.



نمی‌توانم ضریح مطهرتان را زیارت کنم. اگر شما
صلاح می‌دانید، عنایتی کنید. دوست دارم شبی را
کنار ضریح شما باشم.»

ایشان همان شب به آرزوی خود رسیدند. کسی چه می‌داند آن
شب چه گذشت میان این عارف وارسته و امام رضا علیه السلام!

به اطراف خود توجه نداشت

آیت‌الله محسن خرازی از مرحوم سید محمد کسایی خرازی رحمته الله علیه
این‌طور نقل فرموده‌اند:

همراه یکی از علمای بزرگوار به مشهد مقدس رفتم.
ایشان دوست نداشتند موقع رفتن به حرم، کسی یا
عده‌ای همراهی‌شان کنند. وقتی هم که خودشان
تنها به حرم می‌رفتند، از اطرافیان‌شان غافل می‌شدند.
یک بار حدود یک ساعت کنار ایشان نشستیم. عاقبت
خسته شدم و بیرون آمدم. وقتی از حرم بیرون آمدند،
عرض کردم: «یک ساعت کنارتان بودم!» ایشان
فرمودند: «متوجه شما نشدم.»

آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله علیه نیز همین شیوه زیارتی را درباره
استادشان، آیت‌الله العظمی نائینی رحمته الله علیه بیان فرموده‌اند: «وقتی



آیت الله نائینی رحمته الله علیه به حرم مشرف می شدند، مردم، اطرافشان را می گرفتند؛ ولی ایشان در حین زیارت، به اطراف خود توجهی نداشتند.^۱

آخرین زیارت مؤسس حوزه بزرگ قم، آیت الله العظمی حائری یزدی رحمته الله علیه در حرم امام رضا علیه السلام بسیار شورانگیز بوده است؛ ایشان وقتی با حضرت علیه السلام وداع کردند، از حرم بیرون آمدند؛ ولی برای دومین بار به حرم برگشتند و دوباره وداع کردند. گویا دل کندن از حضرت علیه السلام برایشان سخت بود که گاه بیرون می رفتند؛ ولی باز به حرم برمی گشتند!^۲

آفت زیارت

در میان کاروانی که همراه مرحوم شیخ رجبعلی خیاط به زیارت رفته بودند، زن و شوهری بودند که به نظر می رسید رابطه خوبی باهم ندارند. آن روز هم وقتی همه از زیارت برگشتند، این دو، وسط راه، بگو مگویشان شده بود و خانم زخم زبان آزاردهنده ای نثار همسرش کرده بود.

وقتی همگی برای استراحت وارد منزل شدند، مرحوم شیخ به همه «زیارت قبول» گفتند؛ ولی نوبت این خانم که رسید،

۱. محسن خرازی، روزنه هایی از عالم غیب، ص ۲۵۶ و ۳۳۹.

۲. صادق حسینی ایزدی، شرح زندگی آیت الله مؤسس، ج ۱، ص ۲۴؛ به نقل از: ابراهیم کاظمی خوانساری، آیین زیارت عارفان، ص ۱۰۹.



فرمودند: «تو که هیچ! تو همه [اعمال و زیارتت] را ریختی زمین!» زن با تعجب پرسید: «چطور مگر آقا؟ من این همه راه آمده‌ام برای زیارت!» پاسخ شیخ رجبعلی خیاط عبرت‌آموز است: «بله، ولی آن نیشی که امروز به همسرت زدی، همه آن‌ها را با خودش برد!»^۱

جای دیگران را اشغال نمی‌کرد

دیگر همه می‌دانستند که آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله هر تابستان در مشهد هستند و صبح‌ها چه زمانی وارد حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام می‌شوند. موج جمعیتی بود که دورشان جمع می‌شدند و نماز و زیارت و دعای یک تا دوساعته آقا را به نظاره می‌نشستند.

ایشان با حالت رقت و انکسار در حرم گام برمی‌داشتند و در آن حال، به احدی توجه نداشتند. هنگام ورود به حرم، در ورودی را می‌بوسیدند و گونه خود را روی در می‌نهادند و وارد می‌شدند. همیشه ذکرگویان، از پایین پای حضرت وارد می‌شدند؛ سپس با قرارگرفتن در روبه‌روی ضریح مطهر، مشغول زیارت امین‌الله و عاشورا و... می‌شدند و فقط در روزهای پنج‌شنبه، علاوه بر این‌ها، نماز جعفر طیار و نماز روز پنج‌شنبه را هم اقامه می‌کردند.

۱. نک: سیدعبدالله فاطمی نیا، نکته‌ها در گفته‌ها، ج ۱، ص ۱۲۱؛ به نقل از: ابراهیم کاظمی خوانساری، آیین زیارت عارفان، ص ۱۲۲.



از اینکه کسی با وجود امام رضا علیه السلام به غیر آن حضرت توجه ویژه کند، به شدت نهی می کردند. روزی شخصی با کنارزدن مردم، برای آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه جایی را آماده کرد. وقتی ایشان فهمیدند، از نشستن در آنجا خودداری کردند و در جای دیگری نشستند.

اگر اطراف ضریح مطهر را شلوغ می دیدند، نزدیک نمی شدند و اگر خلوت بود، خود را خاضعانه به ضریح می رساندند و عاشقانه به آن بوسه می زدند. روزی یکی از خادمان حرم نزد ایشان آمد و از درد دستش اظهار نگرانی کرد. آقا فرمودند: «برو دستت را به ضریح بمال!»^۱

سربه زیر و دست به سینه

در ماه رجبی که زمستانی و سرد بود، در مشهد بودم. شب از نیمه گذشته بود که هوس کردم به حرم بروم. از بست شیخ بهایی رحمته الله علیه وارد صحن گوهرشاد شدم. سربه زیر و دست به سینه، رو به گنبد آقا خم شدم. وقتی نگاهم را از زمین بزاق حرم گرفتم، چشمم به روحانی ای با عبایی شیک افتاد که با قامتی استوار، به نماز ایستاده بود و گویی در هوایی تابستانی نفس می کشید! نزدیک که شدم، دیدم آیت الله معزی رحمته الله علیه تهرانی هستند. در آن سرمای طاقت فرسا، آن قدر به خودم پیچیدم تا از نماز فارغ شدند. سلام

۱. نک: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی اهل بیت علیهم السلام، فریادگر توحید، ص ۱۲۲.



کردم و پرسیدم: «آقا، هوا سرد است. چرا داخل حرم نمی‌روید؟!»
پاسخ دادند: «من احساس سرما نمی‌کنم! دوست دارم همین‌جا
نماز و دعا بخوانم.»

خواستم خدا حافظی کنم تا از سرما نجات یابم که به آرامی
فرمودند: «از این نقطه غافل نشوید! در این مکان به اولیای
الهی نظرها شده است. شما هم غفلت نکنید.» مقصودشان
رواقِ ایوان روبه‌روی مسجد گوه‌رشاد بود.

دوستی می‌گفت:

هر وقت ایشان وارد حرم می‌شوند، زیارتشان دیدنی
است. روزی به من گفتند: «من هر وقت به مشهد
می‌آیم، موقع برگشت به قم، از حضرت خدا حافظی
نمی‌کنم؛ چون همیشه آقا را همراه خود احساس
می‌کنم؛ ولی این بار چرا: [انگار] باید خدا حافظی
کنم!» چند روز نگذشت که خبر آمد روح شیخ حسن
معزی پرکشید!^۱

اینجا دارالشفاست

از قم به عشق زیارت امام رضا (ع) آمدم مشهد. وارد صحن حرم
که شدم، تمام وجودم را شرم فرا گرفت. همین‌طور که نگاهم



به گنبد و بارگاه آقا بود، در صحن و سرای حرم می‌پلکیدم، مثل کبوترهای حرم. در همین حال وهوا، دست مهربانی را بر دوشم حس کردم. حضرت علامه رحمته الله علیه بودند.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه با صدای نرم و آرام همیشگی‌شان پرسیدند: «حاج شیخ حسن،^۱ چرا وارد حرم نمی‌شوی؟!» پاسخ دادم: «شرم دارم آقا! با این آشفتگی روحی که من دارم، مگر...» علامه رحمته الله علیه فرمودند: «بیا برویم داخل حرم.» گفتم: «آخر من آلوده کجا و حرم پاک کجا!» کلامشان آرامم کرد: «حسن آقا، طبیب برای چه مطب باز می‌کند؟ برای اینکه بیماران به او مراجعه کنند و با نسخه‌اش بهبودی خود را بیابند. حاج شیخ حسن! اینجا دارالشفای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. داخل شو که امام رضا علیه السلام طبیب الأطباست.»^۲

خستگی راه از سرم پرید. دوست داشتم پرواز کنم، باز هم مثل کبوترهای حرم!

با بودن خورشید، چرا ستاره؟!

این هشدار را از صدای رسای حاج شیخ میرزاهاشم قزوینی رحمته الله علیه وقتی که پای درس ایشان بودم، شنیدم: «طلبه‌ها! مردم را به سوی غیرائمه نخوانید.»

۱. حاج شیخ حسن معزی.

۲. نک: سید جلال رضوی، خورشید اهل دل، ص ۱۳۲.



مفهوم این حرف استاد چندان برایم روشن نبود تا روزی که استاد را تا حرم همراهی کردم و معنای این اندرز برایم روشن تر شد. آن روز، بعد از زیارت، راهی قبر عالم مشهور شیعه، مرحوم شیخ حر عاملی رحمته الله شدیم. آن بزرگوار کتاب بیست جلدی وسائل الشیعه را نگاشته‌اند که از منابع علمی مراجع تقلید است.

شمع‌های زیادی سر مزار شیخ حر عاملی افروخته بودند. فاتحه‌ای خواندیم و آهنگ رفتن کردیم که شخصی خودش را کنار شیخ رساند و گفت: «حاج آقا، اینجا حاجت روا می‌شود؟» حاج شیخ میرزاهاشم برافروخته شدند و زبان به مبارزه با خرافات گشودند: «این خرافات را نگویند! با بودن امام رضا علیه السلام پیش احدی زانو نزنید. این کار نارواست. بر سر مزار بزرگانی چون حر عاملی، تنها حمد و سوره بخوانید. این‌ها فقط شاگردان مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند، [فقط] همین!»^۱

من حرز بلد نیستم

آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته الله در وصف حالات آیت‌الله محمد کوهستانی رحمته الله هنگام زیارت در حرم مطهر رضوی فرموده‌اند: «وقتی ایشان را در حرم امام رضا علیه السلام دیدم که [چگونه] مثل یک زائر معمولی مشغول زیارت بودند و... با چه حال و

۱. نک: مهدی رکنی یزدی، «یادمان روزهای خدا»، فصلنامه مشکوة، ش ۷۸، پاییز ۱۳۸۴، ص ۲۲، مصاحبه با حجت‌الاسلام سیدمهدی طباطبایی در کنگره آیت‌الله شیخ‌هاشم قزوینی رحمته الله.



توجه [خاصی] زیارت می‌خواندند، با مشاهده این صحنه، خیلی لذت بردم!»

آیت‌الله کوهستانی رحمته‌الله علیه معتقد بودند غبار لباس زوار و خدمه حرم، شفا بخش و تأثیرگذار است و خودشان این تأثیر را بر روی فرزندان اسماعیل آزموده بودند. باور داشتند که در حرم مطهر رضوی توجه به غیر از حضرت رضا علیه السلام جایز نیست. در یکی از روزهای زیارت، فردی فاضل به ایشان گفت: «آقا به من حرزی بیاموزید که همراه داشته باشم.» آیت‌الله کوهستانی رحمته‌الله علیه درحالی‌که با دستشان حرم آقا را نشان می‌دادند، گفتند: «من حرز بلد نیستم. هرچه می‌خواهی، برو از حضرت بخواه.»^۱

زیارت را حفظ کنید!

عارف روشن ضمیر، مرحوم دولابی رحمته‌الله علیه، برای بازکردن پای زیارت به زندگی انسان راهکاری بیان فرموده‌اند: «اگر حضرت رضا علیه السلام را زیارت کردیم، آن را دائماً حفظ کنیم. اگر چنین کردیم، همواره با ایشان هستیم.» یکی پرسید: «اینکه می‌فرمایید زیارت را حفظ کنیم، یعنی از بر کنیم؟» در پاسخ فرمودند:

نه. یعنی آن حالی را که در حرم امام رضا علیه السلام داری، آن را حفظ کن و اگر نتوانستی، حداقل دو روز، سه روز،

۱. نک: عبدالکریم کوهستانی، بر قلّه پارسایی، ص ۱۹۹.



پنج روز آن را نگه دار. تمرین کن، می‌توانی. چندبار که این کار را کردی، در فاصلهٔ این سفر تا آن سفر، گویا همواره در حال زیارت حضرت علیه السلام هستی. امامان [معصوم علیهم السلام] نیامده‌اند که ما آن‌ها را زیارت کنیم و بعدش هم برگردیم به شهر و آبادی خودمان. وقتی زیارت می‌رویم، آن نور و علم و حالتِ معنویت را باید همراه خود به وطن برگردانیم.^۱

۱. نک: اسماعیل دولابی، طوبای محبت، ج ۴، ص ۱۷۷.

فصل سوم:

فرشته اینجا پابره‌نه است!
ارج و قرب زیارت امام رضا علیه السلام
در سیره زیارتی علما



فرشته اینجا
پایرهنه است!

ایرانی‌ها قدر بدانند!

آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله علیه در نوشته‌ای با مهر و امضای خود فرموده‌اند:

حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام نعمتی بزرگ است که در اختیار ایرانی‌هاست. عظمتش را خدا می‌داند! به اندازه‌ای ارزش دارد که امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: «زِيَارَةُ أَبِي أَفْضَلُ مِنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام». (فضیلت زیارت پدرم بالاتر از زیارت امام حسین علیه السلام است). بنابراین ایرانی‌ها باید نعمت حرم امام رضا علیه السلام را که برایشان فراهم است، مغتنم بشمارند.

توفیق زیارت ربطی به پول داشتن ندارد؛ زیرا چنانچه پروانه‌ها در شمع می‌سوزند، آیا در شمع بودن حضرات معصومین علیهم السلام اشکال است یا پروانه بودن ما؟! پس چرا برخی جواب سلام را از خود آنان شنیده‌اند و ما این‌گونه نیستیم؟ معلوم نیست که پول‌دار پروانه این شمع می‌شود یا بی‌پول؛ لکن هرچه هست، در اثر جذب و انجذاب محبت است.^۱

یکی از شاگردان آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله علیه به آن بزرگوار

۱. نک: محمدحسین رخشاد، در محضر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت، ج ۱، ص ۱۶۵.

عرض کرد: «بنا دارم ماه مبارک رمضان به زیارت امام رضا علیه السلام بروم.» ایشان فرمودند: «خَيْرَ مَسْهَدٍ تَسْهَدُونَ؛ در بهترین محل حضور، حاضر می شوید. می روید آنجا، سعی کنید از معدن نور استفاده کنید و معدن نور را استخراج کنید.»^۱

عشق مشهد!

هر وقت پیشنهاد تفریح و سیاحت به اطراف قم یا دیگر مناطق خوش آب و هوا را می دادیم، آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی رحمته الله علیه رد می کردند؛ اما کافی بود بگوییم: «آقا، می آید این هفته برویم مشهد، زیارت؟» می گفتند: «باشد. من حاضرم.» به پیشنهاد سفر سیاحتی در پنجاه کیلومتری قم «نه» می گفتند؛ اما از سفر زیارتی و معنوی به هزار کیلومتری قم، با آغوش باز استقبال می کردند! عشق را در همین فاصله ها باید یافت. این قدر عشق مشهد و امام رضا علیه السلام را در دل داشتند که به گمانم حتی اگر ما هر هفته هم پیشنهاد سفر زیارتی به مشهد را به ایشان می دادیم، اعلام آمادگی می کردند.

روزی، آقا در تهران بودند. زنگ زدند که: «حاج محمود، کجایی؟ من آمده ام تهران و هوس مشهد کرده ام؛ ولی هرچه دنبال اتوبوس می گردم، پیدا نمی شود.» گفتم: «آقا صبر کنید تا من بیایم تهران، باهم برویم.»

۱. نک: محمد حسین رخشاد، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ج ۱، ص ۲۵۶.



فرشته اینجا
پایرهنه است!

راه که افتادیم، در طول مسیر، من راننده بودم. همه خوابیدند، حتی آقا. من هم کم‌کم چرتم گرفت. در همین حین، یک لحظه ماشینمان افتاد توی دست‌انداز و چاله و همه از خواب پریدند! همان شب، آقا گفتند: «حاج محمود، آن لحظه حادثه، در عالم رؤیا دیدم که امام رضا علیه السلام از پشت ماشین ما را هدایت می‌کرد و [می‌برد]!»

آری، عشق در این خاندان، میان محب و محبوب، دوطرفه است، به‌ویژه میان امام رئوف علیه السلام و زائران ایشان.^۱

به تعداد زیارت‌ها، به دیدنم آمدند

مرحوم آیت‌الله شیخ مرتضی حائری در دلدادگی به بارگاه حضرت رضا علیه السلام شهرت دارند. ایشان که در شهر قم اقامت داشتند، هر پنج‌شنبه جمعه، با کوچک‌ترین بهانه‌ای خودشان را برای زیارت محبوبشان، آقا امام رضا علیه السلام، به مشهد می‌رساندند. در یکی از یادداشت‌های خود نوشته‌اند: «تاکنون ۴۷ سفر، توفیق تشرف به محضر حضرت علی‌بن موسی‌الرضا علیه السلام را یافته‌ام و چه برکاتی [که] از این سفرها دیده‌ام، بماند!» در جایی دیگر نیز این‌طور نگاشته‌اند: «تابه حال ۶۱ سفر شده است. وَفَّقَنَا اللَّهُ لِزِيَارَتِهِ لَجَمِيعِ مَرْضَاتِهِ تَعَالَى.»

۱. نک: مصاحبه نگارنده با حاج محمود جیلانی (جلالی)، قم، مسجد اهل بیت علیهم السلام، ۲ دی ۱۳۹۴.

آن بزرگوار در مشهد شعری را هم در مدح مولایشان امام رضا علیه السلام سروده‌اند. شخصی پس از رحلت مرحوم حائری، در عالم خواب از ایشان پرسید: «در قبال این همه سفری که برای زیارت به مشهد رفتید، چه چیزی به دست آوردید؟» گفتند: «به تعداد زیارت‌هایم، آقا به دیدنم آمدند.»^۱

عشق زیارت

یک بار که با آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله در مشهد بودم، استاد مطهری رحمته الله آقا را به فریمان دعوت کردند. به من هم گفتند: «به آقا یادآوری و اصرار کن که بیایند. چون علامه طباطبایی هم هستند، اگر باهم ملاقات کنند، بسیار دیدنی خواهد بود.» اما ایشان قبول نکردند. من هم که اصرار کردم، باز نپذیرفتند. برایم سؤال شد. بعدها وقتی علت را از ایشان پرسیدم، فرمودند: «راستش من هم به این دیدار علاقه داشتم. ایشان هم دعوت کردند و اصرار هم داشتند؛ ولی من عذرخواهی کردم؛ چون احساس کردم اگر به آن میهمانی بروم، توفیق یک زیارت امام رضا علیه السلام از من سلب خواهد شد؛ بنابراین عذرخواهی کردم و نرفتم؛ ولی اکنون چند روز است که به مشهد آمده‌ام و از کسالت یک بار [هم] نتوانسته‌ام به حرم بروم!»

فرزند آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله در مصاحبه‌ای از سلوک

۱. نک: رضا استادی، زندگی علما و دانشمندان بزرگ، ص ۲۵۷.

زیارتی پدرشان چنین یاد کرده‌اند:



فرشته اینجا
پایرهنه است!

آن قدر به زیارت علاقه داشتند که اگر توانایی رفتن به حرم را نداشتند، از همان جا که بودند، حتی در خانه، رو به مشهد می‌ایستادند و زیارت می‌کردند. گاه که همسرشان از نرفتن به زیارت به دلیل ناتوانی گله می‌کردند، می‌فرمودند: «در آخرین نقطه خانه بایست و زیارت کن. حرم تو همین جاست [؛ یعنی آخرین نقطه توانایی ات]». هر وقت هم که خودشان نمی‌توانستند به زیارت بروند، همین کار را می‌کردند.^۱

زیارت؛ نه سیاحت

مرحوم علامه طباطبایی به امامان و خاندان پیامبر ﷺ ارادت و شیدایی خاصی داشتند و هرگاه نام یکی از آن بزرگواران برده می‌شد، به شدت احترامشان می‌کردند؛ به گونه‌ای که برای هر بیننده‌ای آشکار بود. ایشان در تابستان‌ها همواره به زیارت حضرت رضا ﷺ می‌رفتند و تمام تابستان را در مشهد مقدس ساکن می‌شدند و هر شب نیز به حرم مطهر مشرف می‌شدند. اگر هم پیشنهاد می‌شد که در جای خوش آب‌وهوایی در مشهد ساکن شوند، می‌فرمودند: «ما از پناه امام هشتم ﷺ جای دیگر نمی‌رویم».^۲

۱. نک: محمود شریفی، «زیارت در سیره علمای معاصر»، فصلنامه فرهنگ زیارت، س ۱، ش ۲، بهار ۱۳۸۹، ص ۲۵.

۲. نک: فصلنامه اشارات، ش ۱۵۳، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۵.



روزی سه بار زیارت

آیت الله کوهستانی رحمته الله علیه در میان اهل بیت بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله، به امام رضا علیه السلام اظهار محبت بیشتری می کردند و در سایه همان دل بستگی و ارادت، بارها برای زیارت و بهره مند شدن از عنایت های ویژه آن حضرت، به مشهد مقدس سفر کردند. ایشان در حقیقت، بهترین و مطمئن ترین وسیله سعادت و نجات را توسل به امام رؤف و اجداد پاکشان علیهم السلام و زیارت آن بزرگواران می دانستند.

در تمام مدتی که در مشهد بودند، روزی سه مرتبه به حرم مشرف می شدند. یک بار سحر و نزدیک صبح، به حرم می رفتند که دو تا سه ساعت مشغول زیارت و دعا و نماز بودند و پس از زیارت برای صرف صبحانه به منزل می آمدند. بار دیگر، نزدیک ظهر، به طرف حرم حرکت می کردند. بار سوم هم یک ساعت مانده به اذان مغرب روانه حرم می شدند. در تمام این زمان ها، حال و هوای خاصی داشتند و با خشوع وصف ناپذیری به دعا و زیارت و قرائت قرآن می پرداختند.

فرزند آن عالم وارسته خاطره ای تعریف کرده اند که گویای عمق باور پدرشان است:

در دوران کودکی، مبتلا به تب شدیدی شدم و مدتی در بستر بیماری افتادم. در همان ایام، جمعی



فرشته اینجا
پایرهنه است!

از زیارت امام رضا علیه السلام بازگشته بودند. پدرم به آنان فرمود: «بیایید گردوغبار لباس هایتان را روی فرزند بیمارم بریزید؛ [چرا] که غبار لباس زائران امام رضا علیه السلام شفاست!»^۱

خیر: زیارت می‌روم!

سال اولی بود که مرجع بزرگ شیعیان جهان، آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه، به قم هجرت کرده بودند. شش ماه از هجرت پربرکتشان گذشته بود؛ ولی هنوز در بیماری سختی که منجر به جراحی شد، به سر می‌بردند. ایشان در دل [و بدون آنکه صیغه مخصوص را به زبان بیاورند] نذر کرده بودند که برای بهبودی خود، به زیارت امام رضا علیه السلام بروند. وقتی این تصمیم استاد به گوش شاگردانشان رسید، دست به یکی کردند که هرطور شده است، از این تصمیم منصرفشان کنند.

با این فکر، چند تن از آن‌ها نزد استاد آمدند و گفتند: «آقا، شما روزهای بیماری‌تان را سپری می‌کنید و صلاح نیست با این حال به زیارت بروید! [آن‌هم با نذری که به زبان آورده نشده است و به جا آوردنش واجب نیست.]» ایشان بهانه خوبی برای مهم جلوه دادن مقام امام رضا علیه السلام و زیارت آن بزرگوار فراهم کردند و فرمودند: «هفتاد سال از خدا عمر گرفته‌ام. در

۱. نک: عبدالکریم کوهستانی، بر قلّه پارسایی، ص ۱۹۶ و ۲۰۲ و ۲۰۳.



این مدت، فکرم این بوده است که به وظیفه‌ام عمل کنم؛
نه اینکه ببینم این راه، آفت دارد یا نه. خیر، می‌روم!^۱

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مغلان، غم مخور

آفت امام رضا علیه السلام محسوس است

از استاد مطهری رحمته الله علیه می‌پرسند: «چرا شما از علامه طباطبایی رحمته الله علیه این قدر به نیکی و بزرگی یاد می‌کنید؟» استاد پاسخ می‌دهند: «من فیلسوف و عارف زیاد دیده‌ام؛ ولی احترام من به ایشان به این دلیل است که شیفته و دل‌باخته خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. ایشان مقید بود روزه ماه رمضان را با بوسه بر ضریح حرم حضرت معصومه علیها السلام افطار کند!»

علامه رحمته الله علیه هر سال برای زیارت، در مشهد حضور می‌یافت و حتی در پنج‌شش ماه اخیر عمرشان، با همه کسالتی که داشتند، زیارتشان تعطیل نمی‌شد. باینکه به توصیه پزشک، روزهای استراحتشان بود؛ ولی با اصرار، عازم مشهد شدند. وقتی برگشتند، فرزندشان به ایشان عرض کردند: «بالاخره به مشهد رفتید!» فرمودند: «پسرم، جز مشهد کجاست جایی که آدم بتواند درد دل‌هایش را بگوید و درمانش را هم بگیرد؟!»



فرشته اینجا
پایرهنه است!

سخنی از علامه نقل شده است که از انسان دلبری می‌کند: «همه امامان رؤوف‌اند؛ ولی رأفت امام رضا (ع) محسوس است.» وقتی از ایشان التماس دعا می‌کردند، می‌فرمودند: «بروید از حضرت بگیرید. ما کاره‌ای نیستیم. همه چیز آنجاست.» پی‌اشاره انگشتش را که می‌گرفتی، چشمت به گنبد آقا گره می‌خورد.

دست آقا بر سر زوّار

مرحوم آیت‌الله شیخ حسن معزّی (رحمته‌الله) از اولیای الهی بودند. طلبه‌ای که در تنگنای مالی قرار داشت، نزد ایشان رفت و مشکلاتش را گفت. شیخ حسن (رحمته‌الله) فهمیدند که او باید متوسل به امام رضا (ع) شود. طلبه رفت و بعد از سفر به مشهد، آمد خدمت آقا. آیت‌الله معزّی (رحمته‌الله) از او پرسیدند: «در این سفر، اتفاق خاصی نیفتاد؟ چیزی ندیدی یا در دلت چیزی نیفتاد؟» گفت:

خودم چیزی ندیدم؛ ولی عده‌ای زائر که از اطراف لرستان به مشهد آمده بودند، کنار ضریح مطهر مشغول خواندن زیارت‌نامه بودند. یکی از آن‌ها زیارت‌نامه را با صدای بلند می‌خواند و بقیه تکرار می‌کردند. شخصی کنار آن‌ها ایستاده بود و به

نقطه خاصی از حرم خیره شده بود. مجذوب او شدم. نزدیک که رفتم، دیدم حال عجیبی دارد. با دقت فهمیدم زیر لب می‌گوید: «آقا جان، شما بفرمایید بنشینید. خسته می‌شوید!» از او پرسیدم: «با چه کسی حرف می‌زنید؟» گفت: «با امام رضا (ع). مگر نمی‌بینی؟! کنار ضریح ایستاده‌اند و بر سر کسانی که وارد حرم می‌شوند، دست می‌کشند!»^۱

شصت سال، اولین زائر

بیست و هشت ساله بود که هم‌جوار حرم شد. از همان روز، خود را مقید می‌دانست که سحرها پیش از اذان صبح، به حرم مشرف شود. آن روزگار، آخر شب، در حرم را می‌بستند تا اذان صبح. بیشتر سحرها پشت درهای بسته حرم منتظر می‌شد تا درها را باز کنند. این انتظار، گاه تا یک ساعت پیش از طلوع فجر به طول می‌انجامید.

زمستان و تابستان به حال آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (رحمته‌الله) تفاوتی نداشت. زمستان که می‌شد و برف همه جا را سفیدپوش می‌کرد، ایشان برای اینکه خود و بقیه به راحتی به حرم برسند، بیلچه‌ای برمی‌داشتند و مسیرشان را به سمت حرم مطهر باز می‌کردند. شیفتگی و دلدادگی ایشان به حدی بود که

۱. نک: سیدجلال رضوی، خورشید اهل دل، ص ۱۵۲.



فرشته اینجا
پایرهنه است!

خود، زمانی گفته بودند شصت سال است که هر روز صبح، اولین زائر حضرت معصومه علیها السلام هستند.^۱

آیت الله مرعشی رحمته الله همان کسی هستند که شوق عتبه بوسی امام رضا علیه السلام ایشان را از نجف اشرف به ایران کشاند. ایشان مشتاقانه سر بر آستان مقدس حضرت رضا علیه السلام ساییدند و بی تابانه ضریح مقدس را در آغوش کشیدند و ساعت ها حدیث شور و اشتیاق زمزمه کردند. وقتی جانی تازه گرفتند، سبک بار، به بازدید کتابخانه و گنجینه های نفیس آستان قدس شتافتند و ساعت ها در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام کام جان را با دیدن کتاب ها و رساله ها شیرین ساختند؛ سپس به دیدار عالمان، فقیهان، دانشمندان، مدارس علمی و مراکز تحقیقی و فرهنگی رفتند و استفاده فراوان بردند. این عالم بزرگوار، پس از این زیارت، سرمست از جام وصال امام هشتم علیه السلام و پربار از اطلاعات و معلومات گسترده و سودمندی که به دست آورده بودند، راهی دیار خود شدند.^۲

زائر دست آقا را می بوسد

مرحوم شیخ رجبعلی خیاط که با عنایت خدا، به باطن امور و افراد آگاه بودند، شبی در عالم معنا دیدند که در حرم

۱. نک: رضا الیاسی، فروغی از کوثر، ص ۴۸.

۲. نک: رضا الیاسی، فروغی از کوثر، ص ۱۹۲.



حضرت رضا علیه السلام وقتی زائران امام رضا علیه السلام از روی صدق و صفا، درودیوار حرم مطهر رضوی را می‌بوسند، آن امام عزیز علیه السلام دست مبارکشان را پیش می‌آورند و در برابر لب‌های زائران خود قرار می‌دهند. گویا درحقیقت، زائران به دستان مبارک آقا بوسه می‌زنند؛ بدون آنکه خودشان بدانند!

زیارت با اعمال شاقه

آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه در خاطرات خود دربارهٔ دشواری زیارت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

من از استادام، مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، دربارهٔ رفتن به مشهد مشورت گرفتم. ایشان فرمودند: «به نظر می‌رسد در این صورت، نیازمند و تنگ‌دست شوی و آن [بی‌نیازی و] استغنایی که برای شما در این مرحله لازم است، از دست بدهی.» به ایشان گفتم: «این‌طور نیست. دو قطعه فرش از پدرم ارث برده‌ام و آن را فروخته‌ام و حدود ۲۵ تومان پول دارم.»

برای عزیمت به مشهد، ابتدا به تهران رفتم و در مدرسهٔ مروی ساکن شدم. در آن زمان، دولت پهلوی، عمامه را از سر طلاب برمی‌داشت و اجازه نمی‌داد کسی بدون مجوز، عمامه داشته باشد. در تهران یادم آمد



که جواز عمامه‌ام را به همراه نیاورده‌ام. رفتم خدمت حاج آقا روح‌الله^۱ و [دوباره] جواز گرفتم و به مشهد مشرف شدم. در آن سفر توجهات و عنایات فراوانی از سوی حضرت رضا علیه السلام به من شد.

بشنوید سخنان آیت‌الله سید محمدعلی روحانی را دربارهٔ آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه:

من مقید بودم هر سال، ۲۳ ذی‌قعدة، به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شوم. شبی آیت‌الله گلپایگانی را در خواب دیدم که فرمودند: «آقا سید محمدعلی، چه می‌شود در یک سال، دو مرتبه به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شوی؟» گفتم: «آقا، نمی‌توانم؛ چون امسال باید به حج مشرف شوم و به همان یک بار زیارت امام رضا علیه السلام بسنده کنم.» ایشان فرمودند: «حالا که قصد داری به حج مشرف شوی، سفارشی برایت دارم: در مدینه غسل می‌کنی و از طرف امام رضا علیه السلام به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشرف می‌شوی تا ثواب زیارت امام رضا علیه السلام را نیز برده باشی.»

وقتی در مدینه بودم، روز دوم، باز آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه را به خواب دیدم که فرمودند: «دو شبانه‌روز است که آمده‌ای و هنوز نایب‌الزیارهٔ امام رضا علیه السلام نشده‌ای؟!»^۲

۱. امام خمینی رحمته الله علیه.

۲. مهدی لطفی، نوری از ملکوت، ص ۲۰۳ و ۲۰۵.



کتابنامه

۱. قرآن مجید.
۲. استادی، رضا، زندگی علما و دانشمندان بزرگ، چ ۱، قم: صهباء، ۱۳۸۹.
۳. اسلام‌جو، حامد، ورق‌های آسمانی (پرسش‌های شما و پاسخ‌های آیت‌الله بهجت)، چ ۱، قم: آخرین وصی، ۱۳۸۸.
۴. الیاسی، رضا، فروغی از کوثر، چ ۲، قم: انتشارات زائر، ۱۳۷۹.
۵. «امام خمینی رحمته‌الله علیه در محضر معصومان علیهم‌السلام»، ماهنامه فرهنگ کوثر، ش ۳۱، مهر ۱۳۷۸.
۶. امجد، محمود، جواهر معنوی، چ ۱، تهران: سلوک جوان، ۱۳۹۰.
۷. امیری سوادکوهی، محمد، ایازی از ملکوت، چ ۱، قم: سلسله، ۱۳۸۲.
۸. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی یزد، پارسای کویر، چ ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۹. باقی‌زاده گیلانی، رضا، نکته‌های ناب، چ ۱، قم: سفیر صبح، ۱۳۸۲.
۱۰. جمعی از نویسندگان، الهیه، چ ۳، تهران: شمس الشموس، ۱۳۹۳.
۱۱. حسینی ایزدی، صادق، شرح زندگانی حضرت آیت‌الله مؤسس، چ ۱، قم: برگزیده، ۱۳۹۰.
۱۲. حیدری کاشانی، حسین، سیری در آفاق، قم: تهذیب، چ ۲، ۱۳۸۱.
۱۳. خرازی، محسن، روزنه‌هایی از عالم غیب، چ ۱، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.
۱۴. «در محضر خورشید»، فصلنامه اشارات، ش ۱۵۳، زمستان ۱۳۹۲.
۱۵. دولابی، اسماعیل، طوبای محبت، ج ۱ و ۴، چ ۲، تهران: محبت، ۱۳۸۳.



۱۶. رخشاد، محمدحسین، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ج ۱، چ ۵، قم: مؤسسه فرهنگی سماء، ۱۳۸۵.
۱۷. رضوی، سیدجلال، خورشید اهل دل، چ ۱، قم: سوم شعبان، ۱۳۸۲.
۱۸. رکنی یزدی، مهدی، «یادمان روزهای خدا»، فصلنامه مشکوة، ش ۷۸، پاییز ۱۳۸۴، ص ۲۲، مصاحبه با حجت الاسلام سیدمهدی طباطبایی در کنگره آیت الله شیخ هاشم قزوینی رحمته الله علیه.
۱۹. سبحانی نیا، محمدرضا و سعیدرضا علی عسکری، مهر و قهر، چ ۱، تهران: مدرس.
۲۰. شریفی، محمود، «سیره زیارتی علمای شیعه»، فصلنامه فرهنگ زیارت، س ۱، ش ۲ و ۳، بهار و تابستان و زمستان ۱۳۸۹.
۲۱. شفیعی، حسن و احمد لقمانی، آیت بصیرت، چ ۱، قم: بهشت بینش، ۱۳۸۳.
۲۲. شیخ صدوق (قمی)، محمدبن علی بن بابویه، التوحید، چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۲۳. صداقت، سیدعلی اکبر، روح و ریحان و صحبت جانان، چ ۱، قم: آیت اشراق، ۱۳۸۷.
۲۴. عاصمی، مهدی، بهترین شاگرد شیخ، چ ۱، قم: خادم الرضا علیه السلام، ۱۳۸۳.
۲۵. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین و الدرع الحصین، چ ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.
۲۶. فاطمی، سیدحسن، سینای معرفت، چ ۱، قم: مؤسسه انتشاراتی لاهوت، ۱۳۸۰.
۲۷. فاطمی نیا، سید عبدالله، نکته ها در گفته ها، ج ۱ و ۳، چ ۴، مشهد: مجموعه فرهنگی الزهراء، ۱۳۸۶.
۲۸. کاظمی خوانساری، ابراهیم، آیین زیارت عارفان، چ ۱، قم: عطر یاس، ۱۳۹۰.



۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

۳۰. کوهستانی، عبدالکریم، برقله پارسایی، چ ۲، قم: ظهور، ۱۳۸۱.
۳۱. گروه نویسندگان، مرزبان وحی و خرد، چ ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳.

۳۲. لطفی، مهدی، نوری از ملکوت، چ ۱، قم: برگزیده، ۱۳۸۰.
۳۳. ماهنامه بین المللی زائر، ش ۱۲۵، شهریور ۱۳۸۷.
۳۴. مصاحبه نگارنده با آیت الله محمدجواد ایازی، فرزند علامه ابوالحسن ایازی رحمته الله علیه، منزل ایشان در رستمکلا، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸.
۳۵. مصاحبه نگارنده با حاج محمود جیلانی (جلالی)، قم، مسجد اهل بیت علیه السلام، ۲ دی ۱۳۹۴.
۳۶. مصاحبه نگارنده با مرحوم آیت الله سیدحسن صالحی، منزل ایشان، ۲ دی ۱۳۸۵.

۳۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، چ ۲۲، تهران: صدرا، ۱۳۸۰.
۳۸. مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بی نشان ها، چ ۲، ۱۵، قم: جمهوری، ۱۳۸۷.

۳۹. مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی اهل بیت علیهم السلام، فریادگر توحید، چ ۱، قم: نشر انصاری، ۱۳۸۵.

۴۰. ویژه نامه آب، آیین، آفتاب، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۸.

۴۱. هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشمس، سوخته، چ ۳، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشمس، ۱۳۸۳.

مسابقه فرهنگی رسم حضور



مسابقه
فرهنگی

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست را همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: رسم حضور ۱۳۱۴۲ محمدجواد عظیم‌زاده

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی
به نشانی: www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر ببیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.



* هزینه ارسال پاسخ نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.
* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

* قرعه کشی از بین پاسخ های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

پرسش‌ها



مسابقه
فرهنگی

پرسش اول: از دیدگاه آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله علیه اهم آداب زیارت کدام است؟

۱. بدانیم بین حیات و ممات معصومان علیهم السلام هیچ فرقی نیست
۲. به طور کلی دعا کرده و از بیان جزئیات حوائجمان پرهیز کنیم
۳. در دعا هنگام زیارت، حوائج خود را در محضر امام علیه السلام برشماریم
۴. به آنچه می‌دانیم عمل کنیم و با عصای احتیاط حرکت کنیم

پرسش دوم: آیه ۲ سوره مبارکه حجرات، ناظر بر کدام یک از آداب زیارت است؟

۱. تکبیرگفتن پیش از زیارت
۲. با طهارت و وضو بودن
۳. پرهیز از بلندکردن صدا
۴. خواندن دو رکعت نماز زیارت

پرسش سوم: سکوت و تفکر، از اعمال کدام عالم ربّانی در حرم مطهر بوده است؟

۱. آیت الله کوهستانی مازندرانی رحمته الله علیه

۲. حاج شیخ ابوالحسن ایازی رحمته الله علیه

۳. آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه

۴. آیت الله سید محمد حسن الهی طباطبایی رحمته الله علیه

پرسش چهارم: در داستان بهره علمی و معنوی از حضور در مشهد، حاج شیخ ابوالحسن ایازی رحمته الله علیه به کدام یک از آثار و برکات معنوی زیارت امام رضا علیه السلام اشاره کرده اند؟

۱. توسعه رزق و روزی

۲. زیارت عالمان بزرگ

۳. رفع همه گرفتاری ها

۴. طولانی شدن عمر

پرسش پنجم: آیت الله کوهستانی رحمته الله علیه بهترین و مطمئن ترین وسیله سعادت و نجات را در چه دانسته اند؟

۱. توسل به امامان رؤوف و اجداد پاکشان علیهم السلام و زیارت آن بزرگواران

۲. توجه ویژه به شکر نعمت های الهی و استفاده درست از آنها

۳. اهتمام بر انجام مستحبات و پرهیز از مکروهات

۴. گزینۀ ۳ و ۲

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی رسم حضور

نام خانوادگی: نام پدر:
 تحصیلات: استان:
 شهر: شماره همراه:
 تلفن ثابت با کد شهر:



مسابقه
فرهنگی

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش اول				
پرسش دوم				
پرسش سوم				
پرسش چهارم				
پرسش پنجم				

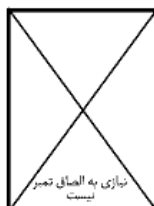
نظر سنجی کتاب رسم حضور

ردیف	موضوع	بسیار خوب	خوب	متوسط	بد	بسیار بد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد و اندازه و ...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تاثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش ها با موضوع					
	میزان رضایت کلی					

پیشنهادها و انتقادهای:

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید.

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود -

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۲۵۱ - ۹۱۷۳۵